

گزارش پژوهشی



# تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

آیت الله عباس کعبی

عنوان پژوهش

**تحلیل مبانی اصل یازدهم قانون اساسی**

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۷۵

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶



## شناسنامه

عنوان:

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران  
تحلیل مبانی اصل یازدهم قانون اساسی  
آیت‌الله عباس کعبی

تحقیق و تنقیح: علی فتاحی  
ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۷۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

پژوهشکده شورای نگهبان



تحليل مباني نظام جمهوري اسلامي ايران

تحليل مباني اصل يازدهم قانون اساسي

## فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۵.....	مبحث اول: مفهوم شناسی
۵.....	گفتار اول: مفهوم لغوی امت
۶.....	گفتار دوم: مفهوم قرآنی امت
۷.....	گفتار سوم: مفهوم اصطلاحی امت
۱۰.....	گفتار چهارم: مفاهیم مشابه و مرتبط
۱۰.....	بند اول: ملت
۱۲.....	بند دوم: دارالاسلام
۱۴.....	بند سوم: جهان اسلام
۱۵.....	مبحث دوم: بررسی مبانی دینی تشکیل امت واحده اسلامی
۱۶.....	گفتار اول: «امت واحده» در قرآن کریم
۱۶.....	بند اول: آیاتی که به صراحت اشاره به امت واحده دارد
۱۷.....	بند دوم: آیاتی که به لزوم اتحاد و برادری مسلمین اشاره دارد
۲۱.....	گفتار دوم: امت واحده در سنت و سیره معصومین علیهم السلام
۲۴.....	مبحث سوم: عناصر و پایه‌های اساسی تشکیل امت واحده
۲۸.....	گفتار اول: اعتقاد مشترک به مبداء (توحید)
۲۹.....	گفتار دوم: تاریخ
۳۱.....	گفتار سوم: هدف و سرنوشت مشترک
۳۲.....	گفتار چهارم: پیامبر اسلام و اعتقاد به پیشوای مشترک
۳۶.....	مبحث چهارم: تحلیل حقوقی امت اسلامی
۳۶.....	گفتار اول: تابعیت در امت واحده‌ی اسلامی
۳۸.....	گفتار دوم: مولفه‌های سازنده‌ی قدرت امت اسلامی
۴۰.....	مبحث پنجم: امت واحده اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۴۱.....	گفتار اول: واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی توأمان در قانون اساسی
۴۲.....	گفتار دوم: تشکیل امت اسلامی و جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران
۴۷.....	گفتار سوم: تزاخم میان منافع امت و ملت
۴۹.....	نتیجه‌گیری
۵۲.....	منابع و مآخذ

اصل یازدهم قانون اساسی - به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست‌های کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

### مقدمه

هر دولت-کشور به عنوان جامعه‌ی سیاسی سازمان‌یافته و نهادبندی شده که از سایر جوامع متمایز بوده و شخصیت مستقل و مشخصی از عوامل ترکیب‌دهنده‌ی خود دارد، مبتنی بر عوامل ساختی مشخصی همانند قدرت سیاسی (اعم از حکومت و حاکمیت)، گروه انسانی و سرزمین معینی شکل می‌گیرد، در این میان گستره‌ی جمعیتی دولت-کشورها که در ادبیات حقوقی معاصر از آن تحت عنوان «ملت» تعبیر می‌گردد، نخستین شرط از شرایط شکل‌گیری نظام سیاسی محسوب می‌شود. از سوی دیگر نگاهی گذرا به اندیشه‌ی اسلامی نمایان‌گر ضرورت تشکیل حکومتی مبتنی بر آموزه‌های شریعت است. دولت-کشوری که عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن بر مبنای ضوابط و چهارچوب‌های مشخص شده در دستورات اسلام شکل می‌گیرد. بر همین اساس در آموزه‌های اسلامی، اصطلاح «امت اسلامی» برای تبیین عنصر ملت به عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی نظام مبتنی بر آموزه‌های شریعت جعل گردیده است. به بیان دقیق‌تر با ملاحظه‌ی اندیشه‌ی سیاسی اسلام، می‌توان دریافت که شارع مقدس ضمن بیان حدود و چهارچوب‌های مفهوم امت اسلامی، نظام مطلوب دینی را بر پایه‌ی تحقق این مفهوم استوار می‌سازد. بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای آموزه‌های فقه شیعہ تدوین یافته است، در اصول متعددی به موضوع «امت اسلامی» و موضوعات مرتبط با آن اشاره نموده است.<sup>(۱)</sup> علت این امر آن است

۱. برای نمونه می‌توان به اصل ۳ (۱۵). توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛ ۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان. و اصل ۱۵۲ (سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است). اشاره نمود.

که دین اسلام از همان ابتدای رسالت خود ماهیتی جهانی داشته و آرمان خود را در تشکیل جامعه مطلوب در چارچوب امت اسلامی دنبال نموده است. به طوری که تشکیل امت اسلامی، آرمان و از اهداف عالی دین اسلام و از مفاهیم پایه‌ای اندیشه سیاسی اسلام محسوب می‌شود.<sup>(۱)</sup>

در این میان اصل ۱۱ قانون اساسی وظیفه‌ی حکومت جمهوری اسلامی ایران نسبت به اتحاد و ائتلاف امت اسلامی و ملل اسلامی در وجوه گوناگون را بیان می‌کند و با تبعیت از اصول و قواعد شریعت اسلام، تشکیل امت واحده اسلامی را به عنوان یک وظیفه مهم و اساسی بیان نموده است. مطابق اصل ۱۱ قانون اساسی و دیگر اصول مرتبط، وحدت میان جوامع اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی، نه تنها امری مطلوب است، بلکه به دلیل آثار و فواید آن، ضرورتی انکارناپذیر است. ضرورت وحدت اسلام و ایجاد امت اسلام، تنها صرف یک شعار سیاسی و اعتقادی نبوده بلکه شرط اساسی نجات مسلمانان از چنگال نظام سلطه و اولویت ارجح دنیای اسلام می‌باشد.<sup>(۲)</sup>

از آن‌جا که اصل ۱۱ در مقام بیان یکی از آرمان‌های ملت ایران مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌باشد، فهم دقیق این اصل نیز متضمن بررسی فقهی و مراجعه‌ی به مبانی دینی آن است. در راستای مطالعه‌ی اصل ۱۱ قانون اساسی، بررسی مفهوم و شاخصه‌های امت اسلامی مبتنی بر مبانی دینی امری ضروری تلقی می‌گردد. از همین

۱. «آرمان نهایی اسلام در مورد رابطه و مناسبات انسانی، رسیدن به امت واحد بشری است و نیز در مورد زمین، از میان رفتن مرزهای جغرافیایی و قید و بندهای مرزی و به وجود آمدن کشور واحد جهانی، تحت حاکمیت قانون واحد الهی است. هدف رسالت پیامبر اسلام(ص)، سرعت بخشیدن به روند حرکت تکاملی جامعه بشری برای رسیدن به این مرحله ایده‌آل و مطلوب نهایی است... اسلام در یک مقطع زمانی و دوران انتقال، به طور نسبی و در حد یک ضرورت، مرزهای جغرافیایی را با ملت‌ها و حکومت‌ها- که خود را در حصار آن مرزها قرار داده‌اند- در آن سطح که بتواند رابطه برقرار کند و روی قدر مشترک‌ها به توافقاتی نسبی نایل آید، به رسمیت می‌شناسد تا از این رهگذر بتواند ضمن انتقال پیام و رسالت جهانی خود به قراردادهای و توافقاتی اصولی‌تر و بیشتری دست یازد. (عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۴۷ و ۱۴۸)

۲. در این باره مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مسئله وحدت یک مسأله حیاتی است. نه این که فقط برای جمهوری اسلامی حیاتی است که البته در اهمیتش برای جمهوری اسلامی جای شک نیست، اما حقیقتاً برای اسلام و دنیای اسلام حیاتی است.» (۱۳۶۸/۱۰/۵- در دیدار با روحانیون زاهدان)

رو سؤال اصلی پژوهش حاضر به بررسی جایگاه فقهی امت اسلامی مبتنی بر اصل ۱۱ قانون اساسی اختصاص یافته و در این مسیر به دنبال پاسخ‌گویی به سوالات فرعی دیگری همانند چیستی مفهوم امت اسلامی، ادله‌ی شرعی و وجوب شکل‌گیری امت اسلامی، عناصر سازنده‌ی مفهوم دولت اسلامی و تحلیل تشکیل امت واحده‌ی اسلامی با نگاهی به سایر اصول قانون اساسی می‌پردازد.

در این راستا در ادامه ابتدا به بررسی مفهوم امت اسلامی در ادبیات دینی خواهیم پرداخت. سپس عناصر تشکیل دهنده‌ی مفهوم امت در آموزه‌های اسلامی را بیان نموده و به بررسی ادله‌ی شرعی تشکیل امت اسلامی می‌پردازیم. در پایان نیز جایگاه اصل ۱۱ و تشکیل امت واحده‌ی اسلامی در مقایسه با سایر اصول قانون اساسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

### مبحث اول: مفهوم شناسی

بررسی دقیق چهارچوب مفهوم امت نیازمند بررسی مفهوم لغوی، اصطلاحی این واژه و همچنین بازشناسی آن از سایر مفاهیم مشابه می‌باشد.

### گفتار اول: مفهوم لغوی امت

از لحاظ لغوی، واژه امت از ریشه «ا م م» بوده<sup>(۱)</sup> و در معانی اندازه کردن، اندازه گرفتن و تقدیر، چیزی را قصد کردن، بلندی، نشیب و فراز در چیزی و طریقه‌ی نیکو به کار رفته است<sup>(۲)</sup>. اطلاق «ام» بر مادر نیز بدان جهت است که کودک در زمینه نیازمندی‌های خود یا به جهت احساس آرامش او را قصد می‌کند. بر همین مبنا امت در لغت به گروهی گفته می‌شود که مورد قصد و توجه مخصوص دیگران واقع شده<sup>(۳)</sup> و در یکی از ویژگی‌های خود همانند دین، زمان، مکان، نوع یا صنف مشترک و همسان می‌باشند که این ویژگی می‌تواند اختیاری یا غیر اختیاری باشد.<sup>(۴)</sup> از منظر

۱. راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲، ص ۸۵.  
 ۲. أن الأصل الواحد فی هذه المادة هو القصد المخصوص، أی القصد مع التوجه الخاص الیه. (مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران: مرکز کتاب للترجمه و النشر، ۱۴۰۲ ه ق، ج ۱، ص: ۱۳۵) و «ام» در لغت بمعنی قصد است» (قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ ه ق، ج ۱، ص ۱۱۸)

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۲

۴. راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲، ص ۸۵

دیگر امت گروهی از مردمند که بیشتر آن‌ها از اصل و منشا واحدی بوده و منافع و آرزوهای یکسان آن‌ها را به دور هم جمع کرده باشد و یا به دور امر واحدی همانند دین یا زمان و مکان گرد آمده باشند.<sup>(۱)</sup> بر این اساس به پیروان یک دین و آیین بر اثر همسانی در دین امت می‌گویند و به مردمی که همزمان با یکدیگر در یک قرن یا در منطقه‌ای از زمین زندگی می‌کنند یا گروهی از مردم که دارای عملکرد یکسان‌اند، امت اطلاق می‌شود.<sup>(۲)</sup> به نظر می‌رسد با توجه به تعاریف فوق و در مقام جمع‌بندی مفهوم لغوی از امت باید بیان نمود که این واژه در لغت بیان‌گر مفهوم گروهی است که مقصد و هدف واحدی آنان را به یکدیگر پیوند می‌دهد.<sup>(۳)</sup>

### گفتار دوم: مفهوم قرآنی امت

واژه «امت» در قرآن کریم ۶۴ بار در معانی مختلف به کار رفته است؛ از جمله‌ی این معانی می‌توان به هنگام و مدت و زمانی معین<sup>(۴)</sup>، قوم<sup>(۵)</sup>، پیشوا و رهبر<sup>(۶)</sup>، راه و روش

۱. سعدی، ابوجیب، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، دمشق: دار الفکر، بی‌تا، ص ۲۵

۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۰

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۴ و جواد آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسراء، بی‌تا، جلد ۷، ص ۶۱

۴. «وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَخْبِئُهُ آلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا) می‌گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟! آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آنها بازگردانده نخواهد شد (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود) و آنچه را مسخره می‌کردند، دامانشان را می‌گیرد. (سوره هود: آیه ۸)

۵. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَّسَتْ عَنْهُمْ آلَا يَوْمَ يَكْتُمُونَ الْأِيمَانَ تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَيَبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.» (و مانند آن [زنی] که پشم‌های تابیده خود را پس از استحکام و استواری و می‌تابانید، نباشید که سوگندهایتان را میان خود به بهانه اینکه گروهی [چون مشرکان] از گروهی [چون مؤمنان] از نظر نفرت و امکانات افزون‌ترند، مایه خیانت و فساد قرار دهید [به این صورت که از روی تظاهر، مؤمنان را با سوگندهایتان دلخوش کنید که با آنان هستید، و در پشت پرده سوگندهایتان را بشکنید، و به خیال اینکه از ضربه‌های دشمن در امان بمانید، به دشمن بی‌بوندید] جز این نیست که خدا شما را به وسیله آن [نفرت اندک و افزونی نفرت دشمن] آزمایش می‌کند، و روز قیامت آنچه را [از حق و باطل] همواره در آن اختلاف می‌کردید، برای شما روشن می‌سازد.) (سوره نحل: آیه ۹۲)

۶. «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان



و دین و آیین<sup>(۱)</sup>، خلق و گروهی از جانداران<sup>(۲)</sup> و همچنین به معنای گروهی از انسان‌ها<sup>(۳)</sup> اشاره کرد.<sup>(۴)</sup> این درحالی است که بیشتر استعمالات قرآنی این واژه در همان معنای گروهی از انسان‌ها با قصد مشخص می‌باشد. از نظر قرآن کریم برای آن که تعدادی از انسان‌ها یک امت و گروه محسوب شوند باید همگی دارای یک جهت مشترک و وحدت باشند و این وحدت می‌تواند هر چیزی همچون وحدت در زمان، مکان، دین، آیین و... باشد. به بیان دقیق‌تر در استعمالات قرآنی از واژهی «امت» در تمامی موارد معنای جمعیت و گروه مد نظر بوده است و تنها در برخی موارد استثنایی که با قرینه‌ی خاص همراه می‌باشد، می‌توان از آن برداشت مجازی نمود.<sup>(۵)</sup> بر این اساس مقصود از «امت اسلامی» در اصطلاح قرآنی مجموعه‌ای از افراد بشر است که به عنوان امت واحد خدای واحد را اطاعت می‌کنند و در این وحدت هدف و مقصود اصلی آنها سعادت و حیات انسانی می‌باشد.

### گفتار سوم: مفهوم اصطلاحی امت

بر مبنای مفهوم لغوی و استعمالات قرآنی از واژهی «امت» می‌توان گفت که اصطلاح امت گروه و جماعتی را در بر می‌گیرد که دارای دو عنصر سازنده‌ی بارز و مشخص هستند. اولاً جمع نام‌محصور و نام‌محدودی از مردم، صرف‌نظر از زبان، نژاد،



خدا خالی از هر گونه انحراف و از مشرکان نبود. (سوره نحل: آیه ۱۲۰)

۱. «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ» (سوره زخرف: آیه ۲۲)
۲. «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُخْشَرُونَ» هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم. سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند. (سوره انعام: آیه ۳۸)
۳. «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ» و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند (سوره قصص: آیه ۲۳)
۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ۶ جلد، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۶، صص ۱۲-۱۳ و قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۱، صص ۱۱۸-۱۲۰
۵. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۱۴، صص ۲۵۸

فرهنگ، وحدت جغرافیایی و سرزمینی و ثابا مشترک در رابطه‌ای معنوی؛ رابطه‌ای که دارای جنبه‌های ایدئولوژیک و عقیدتی می‌باشد.<sup>(۱)</sup> به بیان دقیق‌تر آن گروه و جماعتی از انسان‌ها که دارای عقیده و ایمان واحدی هستند، می‌توانند بر اساس اعتقاد و تعهد خود به مکتب، اجتماعی تشکیل دهند که به این اجتماع امت اطلاق می‌شود. این دیدگاه مبتنی بر این نظریه استوار است که افراد در مسیر زندگی خویش در انتخاب شرکای هم‌فکر خود آزاد باشند و اتحاد و همبستگی ناشی از خاک و خون نمی‌تواند مانع از اتحاد و هماهنگی فکری و عقیدتی به عنوان پیوندی ناگسستنی میان افراد گردد.<sup>(۲)</sup> در رویکرد دیگر می‌توان مفهوم اصطلاحی «امت» را در مفهوم عام و خاص مطالعه نمود. مقصود از «امت» در مفهوم عام، مجموعه‌ای از مردم است که دارای وطن واحد و مصالح مشترک می‌باشند و این مصالح از طریق حاکمیت و رهبری سیاسی واحد اعمال می‌شود؛ در حالی که امت در معنای خاص به مجموعه‌ای از مردم اطلاق می‌گردد که ایمان آن‌ها به ارزش‌های مشترک که در رهبری واحد و نظام واحد زندگی تبلور یافته است؛ آنان را گرد هم می‌آورد.<sup>(۳)</sup> در حقیقت امت گروه به هم پیوسته‌ای است که بر محور یک وجه مشترک گرد هم می‌آیند و قصد واحدی دارند.<sup>(۴)</sup>

در نتیجه مقصود از «امت اسلامی» جامعه یا گروهی انسانی است که راه روشنی را انتخاب کرده و به سوی مقصد و هدف مشترک در حرکت‌اند تا رسالت و مسئولیت جهانی خود را تحت رهبری سیاسی- الهی به منصف ظهور برسانند و در قبال هدایت و رستگاری جوامع دیگر احساس وظیفه می‌کنند. به بیان دیگر امت اسلامی گروهی از مردم هستند که حول محور عقیده‌ی یکسان(همانند خالق واحد، ایمان به رسولان

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۵ جلد، تهران: انتشارات گنج دانش،

۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۲۹

۲. سبحانی، جعفر، حکومت اسلامی، قم: انتشارات سیدالشهداء، ۱۳۷۰، صص ۳۷۵ و ۳۷۶

۳. «فالأمة بمفهومها العام يقصد بها ما يرادف: «الشعب»، و هو: مجموعة من الناس يجمعها وطن واحد و مصالح مشتركة، تتوصل إلى تحقيقها من خلال سلطة و قيادة سياسية موحدة. أمّا «الأمة» بمفهومها الخاص فالمراد بها: مجموعة من الناس يجمعها الإيمان بقيم مشتركة متمثلة في: قيادة موحدة و نظام موحد للحياة» (اراکي، محسن، نظریه الحکم فی الإسلام، قم: مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۵ هـ ق، ص ۱۳)

۴. کعبی، عباس، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده‌ی شورای نگهبان، ۱۳۹۴،

ج ۱، ص ۲۵۹

الهی، وجود امامان و پیشوایانی برای راهبرد حرکت سیاسی و اجتماعی مسلمانان، اعتقاد به آخرت و ثواب و عقاب اعمال، اعتقاد به معاد و حسابرسی و اعتقاد به منزلت و جایگاه انسان به عنوان خلیفه‌ی خداوند متعال بر روی زمین) گرد هم آمده‌اند و همه‌ی اختلافات ناشی از زبان و خاک و نژاد و رنگ قابلیت تجزیه و تقسیم امت اسلامی و از بین بردن ویژگی امت را ندارد.<sup>(۱)</sup>

در نتیجه در اندیشه‌ی اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های کتاب و سنت، تمام کسانی که بر محور مکتب به دور هم جمع می‌شوند و بر پایه‌ی اعتقاد و التزام به آموزه‌های اسلامی مجموعه‌ای را پدید می‌آورند «امت اسلامی» نام می‌گیرد.<sup>(۲)</sup>

بنابراین تعاریف می‌توان گفت، مؤلفه محوری و اصلی در اصطلاح امت اسلام، وحدت مذهبی و دین اسلام است. امت اسلام در حقیقت جامعه بین‌المللی انسانی‌هایی است که از یک پیام و دستور الهی اطاعت می‌کنند و رسالت پیامبر(ص) را می‌پذیرند. در چنین جامعه‌ای تمایزات نژادی و قومی انسان‌ها اصالت ندارد و این عوامل نمی‌تواند مایه امتیاز و برتری باشد. به عبارت دیگر «امت» جامعه‌ای است که در آن افرادی که دارای ایمان، هدف، ایدئولوژی و تعهد و انگیزه هستند با یکدیگر اعلام اتحاد می‌نمایند، به این نیت که در راه تامین اهداف مقدس مشترک خود کوشش و جهاد نمایند. اسلام با تاسیس این مفهوم یک نوع تعهد و مسئولیت، که نتیجه‌ی آن نهضت و انقلابی برای تامین هدف مشترک امت را در بردارد، به وجود آورده است.<sup>(۳)</sup>

۱. «إن الأمة الإسلامية مجتمع إنسانی یمتاز برؤية خاصة حول الكون، و هی توحید الله، و الاعتقاد بالرسول و رسالاتهم، و بالإمامة - أی القيادة الإلهیة و السیاسیة - و بعالم الآخرة، و بالثواب و العقاب، و بالقوانين الصادرة عن الوحي، و الاعتقاد بأن الإنسان له منزلة سامیة بمستوى خلافة الله فی الأرض. إن الاختلافات الحقیقیة و الفلسفیة و اختلاف الناس فی العنصر و اللغة و الأرض و لون البشر؛ كلها لا یمکنها أن تكون سبباً مؤثراً لإحداث انقسامات و تكتلات فی هذه الامة و أن تقضى علی وحدتها». حسینى الخامنئى، السید محمد، الأبعاد الدولیة للحج اطروحة جدیدة علی ضوء الحقوق و القانون (القسم الاول)، مترجم: خالد الغفوری، فقه أهل البیت، شماره ۲۸، ۱۴۲۳، ص ۳۰۹

۲. حسینى بهشتی، سید محمد، مبانی نظری قانون اساسی، تهران: نشر بقعه، ۱۳۹۰، صص ۳۹-۴۰

۳. بابایی زارچ، علی محمد، امت و ملت در اندیشه امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۸۵ و ۸۶

### گفتار چهارم: مفاهیم مشابه و مرتبط

اکنون که مفهوم امت اسلامی به عنوان یکی از اصطلاحات جعل شده به وسیله‌ی شارع مقدس روشن گردید، باید به دنبال یافتن وجوه ممیزه‌ی میان مفهوم «امت اسلامی» با مفاهیم مشابه آن در ادبیات حقوقی معاصر و ادبیات فقهی بود.

#### بند اول: ملت

یکی از واژه‌های مشابه با امت، اصطلاح «ملت» است؛ ملت در لغت به معنای حرکت دادن، جنباندن، راه و روش و دین و آیین به کار رفته است.<sup>(۱)</sup> اما در اصطلاح حقوقی ملت به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده‌ی دولت-کشور در مفهوم مدرن آن به «قومی که در سرزمینی زندگی می‌کنند و عواملی مانند نژاد یا زبان و فرهنگ مشترک آنان را به هم وابسته می‌کند»<sup>(۲)</sup> تعریف شده است. به بیان دیگر «ملت» مجموعه‌ای از افراد انسانی است که در یک سرزمین زندگی می‌کنند و از منظر اصالت، تاریخ، آداب و عادات و ... دارای اشتراک هستند.<sup>(۳)</sup> از منظر دیگر «ملت» گروهی انسانی است که نسبت به تشکیل اجتماع متعلق به خود، آگاه است و مدعی حاکمیت مستقلی می‌باشد.<sup>(۴)</sup> در نتیجه اصطلاح ملت به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌گردد که اعضای آن در اثر عوامل پیوند دهنده مادی و معنوی به یکدیگر وابسته هستند و نسبت به آن احساس تعلق می‌کنند. بر اساس تعاریف مد نظر از اصطلاحات امت و ملت، آنچه به عنوان وجه ممیزه‌ی میان مفهوم امت در اندیشه‌ی اسلامی و مفهوم ملت و همچنین مفاهیم مشابه آن همانند جمعیت<sup>(۵)</sup>،

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹۴۷؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۷۳؛
۲. محمد جعفر جعفری لنگرودی، مسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۳۴۹۳
۳. قاضی شریعت پناهی، ابولفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، ۱۳۸۸، ص ۵۶ و ۵۷
۴. سیمبر، رضا، ملت‌های بدون کشور در جامعه جهانی، مجله سیاست خارجی، سال ۱۳، شماره ۴، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰۹
۵. مجموعه‌ای از افراد با خصوصیات مشابه که در یک محدوده جغرافیایی زندگی می‌کنند جمعیت نام می‌گیرند. (مارتین گریفیتس، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸، ص ۹۱۹ و ۹۲۰). جمعیت به لحاظ حقوقی نیز به گروهی از مردم اطلاق می‌گردد که برای هم‌زیستی و بر اساس احترام متقابل و انسجام دائم با یکدیگر توافق کرده و بدون وجود آنها دولتی تشکیل نمی‌شود. (هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه

مردم<sup>(۱)</sup> و شهروند<sup>(۲)</sup> در ادبیات حقوقی مدرن محسوب می‌گردد، در دو نکته قابل بیان است. اولاً اصطلاح «ملت» در کنار مفاهیم سرزمین و قدرت سیاسی (حاکمیت و حکومت) بیان‌گر جمعیت موجود در حوزه‌ی سرزمینی مشخص است، در حالی که مفهوم «امت» محدود به سرزمین خاص نبوده و همه‌ی افراد معتقد به اندیشه‌ی اسلامی در همه‌ی جهان را در بر می‌گیرد. ثانیاً «امت» پدیده‌ای برآمده و نشأت گرفته از ایمان، هدف، ایدئولوژی، تعهد و انگیزه مشترک است، در حالی که «ملت» پدیده‌ی حاصل از چند عامل فرهنگی و محیطی می‌باشد.<sup>(۳)</sup> به بیان دقیق‌تر از منظر آموزه‌های اسلامی میان مفاهیم «ملت» با «امت» تفاوت ماهوی وجود دارد؛ به طوری که برخلاف واژه «ملت» که با عنصر سرزمین و قلمرو جغرافیایی خاصی همراه بوده و معنا و مفهوم پیدا می‌کند و اینک در عرف حقوق داخلی و خارجی به رسمیت شناخته می‌شود، «امت» با عنصر عقیده و آرمان پیوند خورده است. در حالی که ملت با تعاریف حقوقی آن ویژگی‌هایی چون فرهنگ، تاریخ، نژاد و قومیت مشترک تعریف می‌شود، امت بر وحدت عقیده تأکید دارد و آن را مبنای تقسیم‌بندی جوامع می‌داند.

شهیدبهبشتی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱ و ۲۰۲)

۱. در مقام تبیین مفهوم «مردم» و تفاوت آن با مفهوم «ملت» می‌توان گفت: «مردم تصویری ذهنی و انتزاعی از وجود عده‌ای از افراد بشر است، در صورتی که مفهوم ملت به جمعی عینی و واقعی که دارای کیفیت زیستی و اجتماعی مستقلی هستند، اطلاق می‌شود. مفهوم ملت سلسله‌ای ناگسستنی نسل‌هایی را که با پیوندهای ویژه‌ای به هم مربوطاند دربرمی‌گیرد. در حالی که مردم تصور توده‌ای از انسان‌ها را در زمانی خاص بیان می‌دارد. مردم همچنین توده افراد با لایه سطحی از شخصیت است که در بردارنده امور معاشی و معمولی هستند، در حالی که ملت، شامل افراد با شخصیت واقعیشان، که حقیقت خارجی دارند، می‌باشد.» (علی بابایی، غلامرضا و بهمن آقایی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر ویس، تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۴۸-۲۵۸)

۲. «شهروند» به معنای «ساکن شهر است که از حقوق و مزایای مدنی متساوی بهره‌ور می‌شوند. شهروندی حالت انسانی است که از آن حقوق و مزایا که گفته شد برخوردار است هر چند که در دولت شهر نباشد یعنی ساکن کشور بزرگ باشد.» (آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱)

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶،

## بند دوم: دارالاسلام

یکی دیگر از مفاهیمی که بررسی آن در کنار مفهوم «امت اسلامی» ضروری به نظر می‌رسد، بررسی اصطلاح دارالاسلام است؛ چرا که مفهوم حکومت و دولت برآمده از آموزه‌های دینی متشکل از عناصر مختلفی می‌باشد که امت اسلامی و دارالاسلام دو رکن آن محسوب می‌گردد. هر چند اصطلاح دارالاسلام در قرآن کریم به کار نرفته، در روایات نیز شاخصه و معیاری برای شناسایی آن وجود ندارد و به نظر مجعول از ناحیه‌ی شارع مقدس نیست، اما از جمله‌ی اصطلاحاتی به شمار می‌رود که فقها در کتب فقهی به آن استناد نموده‌اند<sup>(۱)</sup>. آنان کشورهای گوناگون را با توجه به مواضع اعتقادی و سیاسی نظام‌های سیاسی نسبت به آموزه‌های اسلامی به چند اردوگاه تقسیم نموده‌اند، که در اصطلاح فقهی از هر یک از آنها تحت عنوان «دار» یاد می‌گردد<sup>(۲)</sup>، برای نمونه می‌توان به دارالاسلام، دار الحرب، دار الذمه، دار العهد، دار الامان و دار الهدنه، دار الحیاد، دار الموادعه، دار الصلح، دار الهجره، دار البغی، دار الاستضعاف و دار الرده اشاره نمود.<sup>(۳)</sup>

نکته دارای اهمیت در خصوص مفهوم دارالاسلام معیارها و شاخصه‌هایی است که حیطه‌ی سرزمین اسلامی را از سایر سرزمین‌ها جدا می‌نماید. برخی از قدما تنها به ذکر مصادیق مختلفی برای دارالاسلام اکتفا نموده‌اند. بر این اساس برخی از فقها مراد از دارالاسلام را شهری دانسته‌اند که در اسلام بناشده و مشرکان به آن راه نیافته‌اند، مانند بغداد و بصره؛ و همچنین در حکم دارالاسلام است شهری که به کافران تعلق داشته است، لیکن مسلمانان آن را به تصرف خود درآورده‌اند؛ و شهری که از آن مسلمانان بوده، لیکن به سیطره کفار درآمده است.<sup>(۴)</sup> همچنین برخی دیگر نیز منظور از دارالاسلام

۱. علی اکبر کلاتری، «دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو»، مجله فقه، سال سوم، شماره دهم،

۱۳۷۵، ص ۳۴

۲. یزدی، محمد، دارالاسلام و دارالحرب، قم: نشر اعتماد، ۱۴۳۰، ص ۳۳

۳. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ هـ، ج ۳، صص ۲۳۲-۲۳۹

۴. «فدار الإسلام علی ثلاثة أضراب بلد بنی فی الإسلام و لم یقر بها المشركون، مثل بغداد و البصرة... و الثانی کان دار کفر فغلب علیه المسلمون و أخذوه صلحا... و الثالث دار کانت للمسلمین و تغلب علیها المشركون» (طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء التراث الجعفریه، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۴۳)

را دو مورد اول (شهری که توسط مسلمانان بنا شده باشد و شهری که متعلق به کفار باشد ولی توسط مسلمانان فتح شده باشد) دانسته‌اند.<sup>(۱)</sup> این در حالی است که در این زمینه فقهای شیعه<sup>(۲)</sup> معیارها و شاخصه‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند که می‌توان آن‌ها را ذیل سه معیار زیر مطالعه نمود:

### الف: تقسیم دارالاسلام از لحاظ اجرای احکام و شعائر اسلامی<sup>(۳)</sup>

مطابق این معیار، مفهوم دارالاسلام وسعت فراوانی می‌بخشد و بر این اساس حتی بسیاری از کشورهای غیر مسلمانی که مسلمانان در آن سکونت دارند نیز ذیل عنوان دارالاسلام قرار می‌گیرد. طبق این نظر، مفهوم دارالاسلام شامل همه‌ی سرزمین‌هایی است که امکان بروز و ظهور خارجی شعائر اسلامی و انجام آزادانه‌ی احکام دینی وجود دارد، هر چند تعداد معدودی از مسلمانان در آن سرزمین سکونت داشته باشند. در مقابل هنگامی که احکام و شعائر اسلامی در سرزمینی اجرا نشود، آن سرزمین دارالکفر تلقی می‌گردد.<sup>(۴)</sup> در نتیجه «دارالاسلام، کشور و سرزمین امت اسلامی، آن قسمت از جهان است که در قلمرو اسلام بوده و زندگی در آن تحت نفوذ احکام اسلام می‌باشد.»<sup>(۵)</sup>

### ب: تقسیم دارالاسلام بر مبنای میزان جمعیت مسلمانان

بر اساس این نظریه دارالاسلام به سرزمینی اطلاق می‌گردد که بیشتر ساکنان آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، فارغ از آن‌که احکام اسلام در آن اجرا می‌گردد یا تحت

۱. «إن دار الإسلام قسمان: أ: دار خطها المسلمون، كبغداد والبصرة والكوفة، فليقط هذه محكوم بإسلامه و إن كان فيها أهل الذمّة» (حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۳۵۰)

۲. برخی فقهای اهل تسنن معیار دارالاسلام بودن یک سرزمین را نافذ و حاکم بودن احکام شریعت اسلام در آن دانسته (دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۶۸۲) و برخی دیگر نیز به صراحت، وجود حاکم یا حکومت اسلامی را شرط کرده و بروز و ظهور داشتن شعائر دینی و احکام اسلامی در دارالاسلام را لازم می‌دانند. (زحیلی، وهبه مصطفی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق ۱۹۹۸، ص ۱۶۹-۱۷۱)

۳. «المراد بدارالاسلام ما ینفذ فیه الحکم الاسلام فلا یكون بها کافراً الا معاهداً و دارالکفر التی ینفذ فیها احکام الاسلام حکمه کذلک اذا کان فیها مسلم و لو واحداً .... و اما دارالکفر فهی ما ینفذ فیها احکام الکفار فلا یسکن فیها مسلم الامسالماً»

۴. عاملی، محمدبن مکی، الدرر الشریعی فی فقه الامامیه، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷، ص ۷۸.

۵. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ هـ ق، ج ۳، ص ۲۳۳

سیطره‌ی حکومت اسلامی هست یا خیر. در مقابل نیز دارالکفر سرزمین با اکثریت کافران می‌باشد. در نتیجه مطابق با این نظریه «در اصطلاح فقهی «دارالاسلام» به کشور و منطقه‌ای گفته می‌شود که اکثریت مردم آن مسلمان باشند، خواه حکومت آن دینی باشد یا سکولار و لائیک؛ و «دارالکفر» به کشور و منطقه‌ای گفته می‌شود که اکثریت مردمش کافر باشند، خواه حکومت آن دینی و مبتنی بر یکی از ادیان غیر از اسلام باشد یا سکولار باشد مانند کشورهای اروپایی و آمریکا و نظایر آن. بنابراین ممکن است دولتی مدرن و سکولار باشد اما دارالکفر و دولت کفر حساب شود.»<sup>(۱)</sup>

### ج: تقسیم دارالاسلام بر مبنای قلمرو و حکومت اسلامی

بر اساس این نظریه شاخص تشخیص دارالاسلام از دارالکفر وجود و استقرار حکومت اسلامی در دارالاسلام است. بر اساس این معیار شاخص جمعیت تأثیری در تقسیم سرزمین اسلامی ندارد، بلکه دارالاسلام عبارت است از کلیه‌ی کشورهای که حکومت اسلامی در آن تشکیل گردیده است.<sup>(۲)</sup> در نتیجه مطابق این نظریه دارالاسلام عبارت است از «سرزمین یا سرزمین‌هایی که امت اسلامی در آنجا زندگی می‌کنند و غیر مسلمانان نیز با شرایط خاص می‌توانند در سایه حکومت اسلامی زندگی امن داشته باشند. مرزهای طبیعی یا قراردادی این سرزمین‌ها "مرزهای دارالاسلام" محسوب می‌شود»<sup>(۳)</sup>

با نگاهی به مجموعه‌ی منابع فقهی و روایی مربوط به دارالاسلام می‌توان گفت شاخصه‌ی مورد پذیرش در خصوص تفکیک دارالاسلام از دارالکفر همان معیار اجرای آزادانه‌ی احکام اسلام و امکان بروز و ظهور شعائر اسلامی است.

### بند سوم: جهان اسلام

یکی دیگر از مفاهیم مشابه با مفهوم امت اسلامی، اصطلاح جهان اسلام می‌باشد، که در اصل یازدهم قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است. جهان اسلام در اصطلاح به مجموعه کشورهای اطلاقی می‌شود که جمعیت قابل توجهی از آن را مسلمانان

۱. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، حکومت دینی و حقوق انسان، قم: ارغوان دانش، ۱۴۲۹ ق، ص ۷۱  
 ۲. أرض الاسلام ای الارض التي تكون تحت رئاسة الاسلام و حکومت المسلمین فی مقابل ارض الكفر و دارالحرب (طباطبایی بروجردی، آقا حسین، نه‌ایه‌ی التقرير، ۳ جلد، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ص ۳۰۱)  
 ۳. مصباح یزدی، محمد تقی، اختیارات ولی فقیه خارج از سرزمین‌ها، نشریه حکومت اسلامی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۱، ص ۸۴



بومی تشکیل می‌دهند. برای نمونه کشورهایی همانند بنین، ساحل عاج و کامرون که جمعیت قابل توجهی از آن‌ها را مسلمانان بومی تشکیل می‌دهند، جزئی از جهان اسلام محسوب می‌گردند.<sup>(۱)</sup> بر این اساس سرزمین‌هایی که در آن مسلمانان غیر بومی (هر چند به صورت گسترده) و یا جمعیت محدودی از مسلمانان بومی در آن زندگی می‌نمایند، جهان اسلام نام نمی‌گیرد؛ هرچند که ممکن است تحت عنوان امت اسلامی قرار داشته باشند.<sup>(۲)</sup> در نتیجه ارتباط میان مفهوم جهان اسلام و مفهوم امت اسلامی عموم و خصوص من وجه می‌باشد.

مطابق با آنچه تاکنون درخصوص مفهوم امت اسلامی بیان گردید امت اسلامی به همه‌ی افرادی اطلاق می‌گردد که بر محور مکتب به دور هم جمع می‌شوند و بر پایه‌ی اعتقاد و الزام به آموزه‌های اسلامی مجموعه‌ای را پدید می‌آورند و معیار تمایز آن‌ها از سایر مجموعه‌های بشری وحدت در ایدئولوژی و اعتقادات است.

### مبحث دوم: بررسی مبانی دینی تشکیل امت واحده اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه‌های فقه شیعی و در نگاهی آرمانی، حرکت به سمت و سوی تشکیل امت واحده اسلامی را از مسائل مهم و حیاتی برشمرده و همچنین برنامه‌ریزی در زمینه‌ی وحدت ملل را از جمله‌ی وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران می‌داند. از همین رو به نظر درک صحیح و جامع از اصل یازدهم قانون اساسی منوط به مطالعه و بررسی مبانی و پایه‌های فقهی به ویژه مبانی قرآنی و روایی لزوم حرکت به سمت و سوی امت واحده‌ی اسلامی می‌باشد. به بیان دقیق‌تر این مبحث به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بنیادین است که الزام به حرکت به سمت تشکیل امت واحده‌ی اسلامی مبتنی بر کدام ادله‌ی شرعی می‌باشد و از منظر فقه و کلام اسلامی اساسی‌سازی وظیفه‌ی تشیل امت اسلامی در نظام مبتنی بر حاکمیت شریعت چگونه توجیه می‌گردد. در ادامه مهم‌ترین مبانی دینی تشکیل امت واحده‌ی اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، «حقوق اساسی تطبیقی؛ حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی»، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴  
 ۲. جانی، عباسعلی، «حقوق اساسی تطبیقی؛ حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی»، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴، صص ۲۳۴ و ۲۳۵

### گفتار اول: «امت واحده» در قرآن کریم

چنانچه گذشت، از جمله تفاوت‌های اساسی نظام سیاسی در اسلام با مکاتب سیاسی و حقوقی دیگر، ناشی از تفاوت میان مفاهیم امت و ملت است. بنابر آموزه‌های قرآن کریم، از آن جهت که اسلام دینی جاودانه و جهان‌شمول و دارای رسالت جهانی<sup>(۱)</sup> جهت هدایت عمومی<sup>(۲)</sup> بوده و پیام آن نیز جهانی است<sup>(۳)</sup>، جامعه بشری را مورد خطاب خود قرار می‌دهد و بدون توجه به مرزهای سرزمینی و تفاوت‌های نژادی، زبانی، ملی و فرهنگی میان مسلمانان، نام امت واحده را بر آنان می‌نهد. آیات متعددی از قرآن کریم به مساله لزوم وحدت و تشکیل امت واحده اسلامی پرداخته است. این آیات را می‌توان در دو دسته تقسیم بندی کرد:

#### بند اول: آیاتی که به صراحت اشاره به امت واحده دارد

اولین دسته از آیات قرآن کریم که به لزوم تشکیل امت واحده‌ی اسلامی اشاره دارد، آیاتی است که به صراحت در آن‌ها واژه‌ی امت یاد شده است. برای نمونه آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی انبیاء که می‌فرماید: «همانا این امت شماست، امت واحده، و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید»<sup>(۴)</sup> و آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی مومنون که می‌فرماید: «همانا این امت شماست، امت واحده و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا داشته باشید»<sup>(۵)</sup> از جمله‌ی آیاتی است که فقها در مقام بررسی و بیان جایگاه امت اسلامی و لزوم حرکت حکومت اسلامی به سمت تحقق امت واحده‌ی اسلامی به آن‌ها استناد نموده‌اند.<sup>(۶)</sup> بر اساس این دو آیه و آیاتی از این دست که به نظر امت در آن به معنای

۱. «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم» (سوره اعراف: آیه ۱۵۸)
۲. «هَذَا تَبَايُنٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» این، بیانی است برای عموم مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران. (سوره آل عمران: آیه ۱۳۸)
۳. «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» این (قرآن) تذکری برای همه جهانیان است. (سوره ص: آیه ۸۷)
۴. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»
۵. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»
۶. «وَ قَدْ أَكَّدَ الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَلَى مَبْدَأِ وَحْدَةِ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ صَرَّحَ بِذَلِكَ فِي مَوَارِدٍ عِدَّةٍ، مِنْهَا: ۱- قوله تعالى: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً...» (حسینی الخامنئی، السید محمد، الأبعاد الدولیة للحج اطروحة جدیدة على ضوء الحقوق والقانون (القسم الاول)، مترجم: خالد الغفوری، فقه أهل البيت، شماره ۲۸، ۱۴۲۳، ص ۳۰۹) و یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۱۷۳

جماعت مسلمانان به کار رفته است، همه‌ی مسلمانان یک امت هستند، پروردگار، کتاب و پیامبرشان یکی است و بر پایه‌ی فطرت و وظیفه‌ی اسلامی باید در راستای تحقق امت واحده‌ی اسلامی گام بردارند.<sup>(۱)</sup> در حقیقت آیه‌ی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ» که به عنوان مستند اصل یازدهم قانون اساسی در متن اصل ذکر گردیده است، بیان‌گر قانون وحدت بوده که به عنوان قانونی اسلامی تلقی می‌گردد و حکومت مبتنی بر آموزه‌های شرعی موظف به تحقق آن می‌باشد.<sup>(۲)</sup> بر مبنای آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌ی قرآنی که در آیات مذکور نیز متبلور گردیده است، امت اسلامی، تشکیل شده از انسان‌های هم‌فکر و هم‌عقیده‌ای بوده و براساس همین عقیده‌ی مشترک سازمان سیاسی و نظام مشترکی را پذیرفته‌اند.<sup>(۳)</sup> در نتیجه می‌توان گفت: «در اسلام «ایمان» و عقیده، شاخص ملت و عنصر واقعی تکوین آن محسوب می‌شود، و ملت اسلامی را افراد و توده‌هایی تشکیل می‌دهند که به آئین اسلام گرویده و به عقیده و قانون اسلام ایمان آورده باشند و بر اساس همین پایه، اسلام، به جای «ملت» اصطلاح «امت» را به کار برده و امت معتقد به اسلام را «امت» واحدی دانسته است. قرآن این حقیقت را چنین اعلام می‌دارد: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ وَ در جای دیگر به این صورت تأکید می‌شود: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَتَّقُونِ».<sup>(۴)</sup>

### بند دوم: آباتی که به لزوم اتحاد و برادری مسلمین اشاره دارد

دسته‌ی دوم از آیاتی که می‌توان به عنوان مبنای لزوم تشکیل امت اسلامی مورد استناد قرار داد، آیاتی است که به برابری، اتحاد و برادری مسلمانان و آثار و نتایج آن اشاره می‌نماید.<sup>(۵)</sup> از جمله‌ی این آیات آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است که می‌فرماید: «و همگی به وسیله حبیل خدا خویشتن را حفظ کنید و متفرق نشوید و نعمت خدا بر

۱. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۵، صص ۲۲۷ و ۲۲۸ و ص ۲۳۵
۲. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، القانون، بیروت: مرکز الرسول الأعظم (ص) للتحقیق و النشر، ۱۴۱۹ هـ.ق، ص ۲۴۲
۳. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۳۹
۴. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ هـ.ق، ج ۳، صص ۲۰۷ و ۲۰۸
۵. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۵، ص ۲۲۷

خویشتن را بیاد آرید، بیاد آرید که با یکدیگر دشمن بودید و او بین دل‌هایتان الفت برقرار کرد و در نتیجه‌ی نعمت او برادر شدید. و در حالی که بر لبه پرتگاه آتش بودید، او شما را از آن پرتگاه نجات داد. خدای تعالی این چنین آیات خود را برایتان بیان می‌کند تا شاید راه پیدا کنید»<sup>(۱)</sup> این آیه با بیان این نکته که اولاً از آنجا که وحدت نعمت بزرگ الهی و عامل اخوت و برادری مسلمانان بوده و ثانیاً تفرقه و عداوت به عنوان گودال آتش و پرتگاه معرفی گردیده است، تحقق برادری و دوری از تفرقه را وظیفه‌ای الهی می‌داند و بر این نکته تأکید می‌ورزد که این یگانگی باید مبتنی بر دین الهی و آموزه‌های اسلامی شکل گیرد.<sup>(۲)</sup> در نتیجه آیه‌ی مذکور با اشاره به نفی هرگونه اختلاف و تفرقه به لزوم اتحاد و وحدت مسلمین و در نتیجه تشکیل امت واحده اشاره دارد. به بیان دقیق‌تر در این آیه شریفه خداوند متعال در مقام امر به برادری و وحدت و جلوگیری از تفرقه و چنددستگی، دستور می‌دهد همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زده و اخوت و همبستگی اجتماعی را رعایت نمایید. براین اساس ایمان و تقوای الهی به عنوان معیار وحدت و عامل مشترک و پیوند دهنده امت اسلامی معرفی گردیده که موجب زائل شدن اختلافات و ایجاد برادری و در نتیجه تشکیل امت واحده‌ی اسلامی خواهد شد.

آیه‌ی دیگری که در مقام بررسی لزوم تشکیل امت اسلامی مورد استناد قرار گرفته، آیه ۴۶ سوره‌ی انفال است که می‌فرماید: «و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می‌شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می‌رود و شکیبایی ورزید زیرا خدا با شکیبایان است.»<sup>(۳)</sup> در این آیه شریفه خداوند ضمن بیان لزوم اطاعت از خداوند و رسول خدا<sup>(ص)</sup> به عنوان عامل اتحاد و وحدت، از هرگونه اختلاف و تفرقه نهی کرده و تفرقه را باعث ضعیف شدن و از بین رفتن عزت، دولت، صولت، قوت و پیشرفت مسلمانان بیان می‌نماید.<sup>(۴)</sup> بر اساس

۱. «وَ اعْتَصِمُوا بِحِلِّ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَةِ اِخْوَانَا وَ كُنْتُمْ عَلٰی شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذٰلِكَ يَبِيْنُ اللّٰهُ لَكُمْ ءَايٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ»
۲. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۲۴
۳. «وَ اطِيعُوا اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهٗ وَ لَا تَتَزَعَّوْا فَنفُسُكُمُ وَاَنْتُمْ تَدَّهَبُ رِيْحًا وَ اصْبِرُوْا اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ»
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۲۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۲۳۲

این آیه‌ی شریفه، نزاع و تفرقه میان مسلمانان موجب شکست و از بین رفتن عزت مسلمانان می‌گردد و از سوی دیگر عامل وحدت و یکپارچگی مسلمانان آموزه‌های اسلامی و قانون خداوند متعال می‌باشد.<sup>(۱)</sup> از همین رو مبتنی بر این آیه، خداوند متعال با نهی از ایجاد تفرقه و چنددستگی در میان مسلمان، به گرد هم آمدن آنان به دور عقیده‌ی واحد و به بیان دقیق‌تر تشکیل «امت واحده‌ی اسلامی» امر می‌نماید.<sup>(۲)</sup> در این باره امام خمینی<sup>(ره)</sup> با در نظر گرفتن منطبق قرآنی، وحدت و اتحاد را از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام<sup>(۳)</sup> و همچنین تفرقه و جدایی مسلمانان را عامل شکست،

۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۳۶

۲. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «اختلاف و تفرقه میان امت اسلامی موجب می‌شود که معنویت، طراوت، قدرت، شکوه و عظمت ائتلاف ملی شما را در هم بشکند و همان‌طور که قرآن فرموده است «و تذهب ریحکم»».<sup>(۱۳۸۱/۱۲/۲)</sup> دیدار با مردم زاهدان) ایشان در کلام دیگری می‌فرماید: «اگر ملت‌ها و دولت‌های اسلامی به یکدیگر احساس دلگرمی کنند؛ دولت‌ها ببینند که ملت‌هایشان پشت سر آنها ایستاده‌اند؛ ملت‌ها ببینند که دولت‌ها عازم بر احقاق حَقِّند؛ ملت‌ها ببینند که ملت‌های برادر، با آنها هم‌دل و هم‌صدایند؛ آن‌گاه رعبی که استکبار در دل‌های بعضی از ملت‌ها و رؤسای دولت‌ها انداخته است، دیگر جایی نخواهد داشت. اولین اثر اتحاد این است که انسان احساس قدرت می‌کند. اولین اثر تفرق این است که باطن انسان را تهی می‌کند؛ «و تذهب ریحکم»؛ طراوت و نشاط یک انسان و یک ملت را از آنها می‌گیرد.»<sup>(۱۳۸۰/۹/۲۵)</sup> دیدار کارکنان نظام) و در جای دیگر می‌فرماید: «غرض یادآوری این حقیقت است که آنچه آن تمدن را پدید آورد - یعنی اسلام و معارف زندگی‌ساز آن - هم‌اکنون نیز در اختیار ماست و به ما هشدار می‌دهد: که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ». اسلام ثابت کرده است. ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند. ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه، تنها شرط‌های تحقق این هدف بزرگ است و قرآن به ما می‌آموزد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». و می‌آموزد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَأَنْ أَلَلَهُ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ». و می‌آموزد: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». ضعف این سه عامل، امت اسلامی را امروز در وضع تأسف‌باری قرار داده است. حداقل در دو قرن گذشته، دشمنان پیگیر و با تدبیر و برخی حکومت‌های مسلمان بی‌کفایت، در کنار عوامل و شرایط گوناگون تاریخی و سیاسی، در پدید آوردن این وضع، به‌شدت مؤثر بوده‌اند و ما امروز وارث گذشتگانیم»<sup>(۱۳۷۶/۹/۱۸)</sup> - آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی)

۳. «یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام سلام الله علیهم، که علاوه بر آن‌که خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است و اجتماع در مهام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است، که مستلزم فساد بین انسان و خراب مدینه فاضله است و این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد

ضعف و ذلت و زبونی آنها و سلطه دشمنان بر آنان بیان داشته و راه رسیدن مسلمانان به سیادت و آقایی و حفظ حقیقت و محتوای اسلام را وحدت و اتحاد مسلمانان دانسته است.<sup>(۱)</sup>

علاوه بر این، آیاتی که دلالت بر ولایت مسلمانان نسبت به یکدیگر<sup>(۲)</sup> و برادری آنها با هم دارد<sup>(۳)</sup>، نیز می‌تواند مستندی بر تشکیل امت اسلامی در آیات قرآن کریم تلقی گردد. در حقیقت اسلام تنها به موضوع یگانگی و اشتراک در عقاید مسلمانان تاکید نداشته، بلکه پارا فراتر می‌گذارد و به ائتلاف، اتحاد و ولایت مسلمانان نسبت به یکدیگر در قالب برادری اشاره نموده و به همبستگی و یکپارچگی مسلمانان و جبهه‌ی عاطفی نیز می‌بخشد.<sup>(۴)</sup> امام خمینی<sup>(ره)</sup> در خصوص قدرت برادری اسلامی در زمینه‌ی تشکیل امت واحده بیان می‌دارد: «من امیدوارم که بین دولت‌های اسلامی یک اخوتی،

مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه، به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله شخص باشد و افراد به منزله اعضا و اجزای آن باشد و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها حول یک مقصد بزرگ الهی و یکی عظیم عقلی که صلاح جمعیت و فرد است چرخ زند و اگر چنین مودتی و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند.» (موسوی خمینی، سید روح الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>، ۱۳۷۶، ص ۳۰۹ و ۳۱۰)

۱. «بدیختی‌های مسلمین برای این تفرقه‌ای است که بینشان هست. ملت‌های مسلم با هم اجتماع کنند و حکومت‌ها را الزام کنند به این که دست از تفرقه بردارند و دست از حمایت از منافع اجانب هم بردارند.» (موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۴۵)

۲. وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يَطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (سوره توبه: آیه ۷۱) «مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.»

۳. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (سوره حجرات: آیه ۱۰) «جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید.»

۴. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۱، ص ۲۳۹

اخوت اسلامی، همان طوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود؛ که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، یک قدرت عظیم است که هیچ یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پای آن باشد.<sup>(۱)</sup> بر اساس همین مفاهیم قرآنی است که هر یک از مسلمانان در برابر دیگر برادران دینی خود مسؤول دانسته شده و آموزه‌های اسلامی تحت عنوان مسئولیت همگانی مومنان را ولی و سرپرست یکدیگر می‌داند و روایاتی مانند «مؤمنان در دوستی، عطف و مهربانی همچون پیکری می‌مانند که اگر عضوی از آن دچار درد و بیماری گردد دگر اعضا را نیز قرار می‌نخواهد بود و آنها نیز دچار ناشکیبایی و بیداری در شب خواهند گردید» یا «به راستی که همه شما حافظ و سرپرستید و همه شما جوابگوی مردم زیردست خود هستید» و «هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست»، بیانگر مسئولیت اجتماعی مسلمانان نسبت به یکدیگر است<sup>(۲)</sup> که خود دلیلی بر لزوم تشکیل امت واحده‌ی اسلامی به منظور تحقق این وظیفه‌ی دینی محسوب می‌گردد.

در نتیجه فقهای شیعه با استناد به آیات فوق که یا به صراحت به امت واحده بودن مسلمانان تصریح نموده‌اند و یا تحقق عملی فرامین قرآنی خداوند متعال در آنها منوط به تشکیل امت واحده‌ی اسلامی می‌باشد؛ ریشه‌ی قرآنی حرکت به سمت و سوی «امت اسلامی» را اثبات می‌نماید.

### گفتار دوم: امت واحده در سنت و سیره معصومین علیهم السلام

تحقق امت واحده‌ی اسلامی به عنوان دستوری شرعی از ناحیه‌ی خداوند متعال دارای ریشه‌های روایی نیز می‌باشد.<sup>(۳)</sup> یکی از جلوه‌های بارز امت واحده‌ی اسلامی در روایات ائمه‌ی معصومین و سیره‌ی عملی آن بزرگواران برابری و یگانگی مسلمانان با

۱. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۸۸

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، بی تا، ج ۷، ص ۷۳

۳. صاحب کتاب دراسات در مقام بررسی جایگاه امت اسلامی در اندیشه‌ی دینی به ذکر ۱۶ روایت از سیره و سنت اهل بیت عصمت و طهارت می‌پردازد. (منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۵، صص ۲۲۹-۲۳۵)

یکدیگر و لزوم تحقق وحدت و انسجام در بین همه‌ی معتقدان به آموزه‌های اسلامی است. نخستین نشانه‌های انسجام و همگرایی امت اسلام در صدر اسلام را می‌توان در پیمان‌های عقبه اول و دوم مشاهده کرد که در مکه توسط پیامبر اسلام (ص) با حضور بزرگان قبایل اوس و خزرج یثرب انجام شد و دومین آن را در عقد اخوت دینی که به توصیه پیامبر اکرم (ص) در سال اول هجری در مدینه میان مهاجرین و انصار واقع شد. همچنین مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد پیامبر اسلام (ص) بعد از هجرت تاریخی به مدینه، با انتخاب واژه «امت» برای تمامی ساکنین مدینه، به اجتماع مسلمانان معنای تازه‌ای بخشید که با معانی واژه‌های رایج دیگر از جمله طبقه، قوم، طائفه و... تفاوت داشت. شکل‌گیری «امت واحده» خط بطلانی بر پیوندهایی بود که تا قبل از آن بر اساس خون و نژاد و خاک تعریف می‌شد. اقدام دیگر پیامبر اسلام (ص) در راستای تشکیل امت واحده تدوین قانون اساسی مدینه بود تا بین گروه‌ها و قبائل قومی و مذهبی قراردادی باشد و نظمی میان مردم ایجاد شود. اولین باری که مفهوم امت اسلامی به کار رفته شد، توسط پیامبر گرامی اسلام (ص) در متن این معاهده بود که عنوان اولین قانون اساسی مدینه را به خود گرفت. در این متن حضرت با به کار بردن این واژه، توانست افراد نامتنجانس را متحد سازد و هسته مرزی حکومت اسلامی را ایجاد کند.<sup>(۱)</sup>

در روایات منقول از معصومین علیهم‌السلام نیز برابری و وحدت و یکپارچگی مسلمانان دارای اهمیت ویژه‌ای است<sup>(۲)</sup>؛ بر اساس این دسته از روایات، وقتی اقشار و

۱. در آغاز این قانون اساسی آمده است: «این نوشته محمد است در میان مومنان از قریش و مردم یثرب و هر کسی که از آن پیروی کرده و به آن ملحق شد و همراهشان جهاد کرد، آن‌ها امت واحده هستند.» (ابن هشام، سیره ابن هشام، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۸۳-۴۸۰)

۲. از جمله‌ی این روایات می‌توان به احادیث زیر اشاره نمود: «ایها الناس، الا ان ربکم واحد، و ان اباکم واحد، الا لا فضل لعربی علی عجمی، و لا لعجمی علی عربی، و لا لاسود علی احمر، و لا لاحمر علی اسود الا بالتقوی.» «از پیامبر خدا (ص) منقول است که فرمود: همانا پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است، آگاه باشید که فضیلتی برای عرب بر عجم و عجم بر عرب و سیاه بر قرمز و قرمز بر سیاه نیست مگر بر پایه تقوی»

ایها الناس، ان ربکم واحد، و ان اباکم واحد، کلکم لآدم، و آدم من تراب «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» و لیس لعربی علی عجمی فضل الا بالتقوی، الا هل بلغت؟ قالوا: نعم، قال: فلیبلغ الشاهد الغائب.» (ای مردم همانا پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است، همه شما از آدم و آدم از خاک است. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست. و برای عرب بر عجم فضیلتی نیست مگر باتقوا، هان آیا من



گروه‌های انسانی با هم شدند و فرد تبدیل به جماعت و نفس تبدیل به اجتماع گردد و اجتماع و جماعت نیز هدفی واحد و راهی واحد را برای رسیدن به هدف آغاز کنند، سنت و قانون الهی حاکم بر جهان این است که آنان در رسیدن به اهداف خود موفق خواهند شد.<sup>(۱)</sup>

در روایات منقول از ائمه معصومین علیهم السلام به قدری روی مساله وحدت امت اسلامی تاکید شده است که مثل مومنان را همانند یک پیکر دانسته که اگر در یک عضو از بدن دردی ایجاد شود سایر قسمت‌های بدن، وی را همراهی می‌کنند.<sup>(۲)</sup>

رساندم؟ گفتند: بلی، فرمود: پس حاضران به غائبان برسانند»

«صعد رسول الله (ص) المنبر يوم فتح مكة فقال: أيها الناس ان الله قد اذهب عنكم نخوة الجاهلية و تفاخرها بأبائها. الا انكم من آدم (ع) و آدم من طين، الا ان خير عباد الله عبد اتقاه. ان العربية ليست باب والد، و لكنها لسان ناطق، فمن قصر به عمله لم يبلغه حسبه. الا ان كل دم كان في الجاهلية او احنء- و الاحنء: الشحناء- فهي تحت قدمي هذه الى يوم القيامة.» «پیامبر خدا (ص) روز فتح مکه بر منبر تشریف برده و فرمودند: ای مردم همانا خداوند در میان شما تکبر جاهلیت و تفاخر به پدران را از میان برد. همانا شما از آدم (ع) هستید و آدم از خاک است، همانا بهترین بندگان کسی است که پروای الهی داشته باشد. عرب بودن در حکم پدر نیست [که انسان بآن تفاخر کند] بلکه این تنها زبانی است که با آن سخن گفته می‌شود. پس کسی که به خاطر عرب بودن از کارهای نیک خویش بکاهد حسب و نسب بر وی چیزی را نمی‌افزاید. همانا هر خونی که در جاهلیت ریخته شده و هر کینه‌ای که وجود داشته از هم اکنون تا روز قیامت در زیر گام‌های من است» (منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۵، صص ۲۲۹-۲۳۱)

۱. از جمله منابع این روایات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸، ج ۱۶

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، ج ۲

مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴، ج ۲۶

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَاهِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاظِفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَى» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مثل مؤمنان در دوستی و مهربانی و انعطافشان نسبت به هم همانند یک پیکر است که اگر در یک عضو از بدن دردی ایجاد شود سایر قسمت‌های بدن نیز با شب بیداری و تب وی را همراهی می‌کنند. (نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۲۴) و در همین باره در صحیححه ابی بصیر آمده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «المؤمن اخو المؤمن كالجسد الواحد، ان اشتكى شيئا منه وجد الم ذلك في سائر جسده، و ارواحهما من روح واحدة. و ان

علاوه بر این وحدت و انسجام مسلمانان دارای آثار مثبت و فواید بی‌شماری معرفی شده است. چنانچه در روایات وحدت و انسجام موجب رحمت<sup>(۱)</sup>، سربلندی و اقتدار<sup>(۲)</sup>، مایه عزت<sup>(۳)</sup> و برکت<sup>(۴)</sup> جامعه مسلمین دانسته شده است. همچنین در روایات، اختلاف و دودستگی امت اسلامی با وجود داشتن خدای واحد و پیامبر واحد و کتاب آسمانی واحد به شدت مورد نهی قرار گرفته و از گناهان کبیره تلقی شده و جهت دوری از اختلاف امت، بر لزوم اخوت و برادری تأکید شده است.<sup>(۵)</sup> پرهیز از

روح المؤمن لاشد اتصالا بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها. مؤمن برادر مؤمن است و همانند یک پیکر اگر در عضوی دردی ایجاد شود در سایر قسمتهای پیکر نیز اثر و ناراحتی آن مشاهده می‌شود، و ارواح مؤمنان از یک روح است، و روح مؤمن به روح خدا پیوسته‌تر است از پیوستگی نور خورشید به خورشید. (کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۶)

۱. «فان الاجتماع رحمه و الفرقه عذاب» انسجام و اتفاق، رحمت و افتراق و جدایی عذاب است.

(مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۶)

۲. «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّأْدَ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّأْدَ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبَّابِ» دست خدا با جماعت است. هر گاه کسی از جماعت جدا شود، شیطان او را می‌ریاید، چنان که گرگ بز را از گوسفندان می‌ریاید. (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوارالجماعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۶۵، ص ۲۸۹)

۳. رسول خدا: «انتم اهل العزه و ... فلا تختلفوا ففسدوا عليكم اموركم» شما اهل عزت هستید... بنابراین اختلاف نکنید، زیرا اختلاف باعث فساد امور شما می‌شود. (مجلسی محمد باقر، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۳۴۳)

۴. رسول خدا: «كلوا جميعا و لا تفرقوا فان البركه مع الجماعة» با هم بخورید و جدا نشوید، زیرا برکت در با هم بودن و جماعت است. (نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۲۳۳)

۵. «قال الصادق عليه السلام: المسلم اخو المسلم و حق المسلم على اخيه المسلم ان لا يشع و يجوع اخوه، و لا يروى و يعطش اخوه، و لا يكتسى و يعرى اخوه، فما اعظم حق المسلم على اخيه المسلم.» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مسلمان برادر مسلمان است. و حق مسلمان بر برادر مسلمان این است که: سیر نخورد و برادرش گرسنه باشد، آب ننوشد و برادرش تشنه باشد، لباس نپوشد و برادرش برهنه باشد، پس چقدر عظیم است حق مسلمان بر برادر مسلمان! (محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۰۶) در خبر دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بنو اب و ام و اذا ضرب على رجل منهم عرق سهر له الآخرون» مؤمنان برادرند، فرزندان یک پدر و یک مادر اگر یک رگ از آنان آسیب ببیند خواب از چشم دیگران ربوده می‌شود. (کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۵)

اختلاف در روایات به قدری اهمیت دارد که هرگاه مصالح عمومی جامعه اسلامی ایجاب نماید باید از اختلافات جزئی به راحتی چشم‌پوشی کرد و خواسته‌های فردی و گروهی را فدای مصالح جمع نمود.<sup>(۱)</sup>

در نتیجه بر مبنای مجموعه‌ی آیات و روایات مذکور می‌توان بیان نمود که «مسلمانان بر پایه فطرت و وظیفه اسلامی خود همه یک امت هستند، دینشان یکی، خدایشان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است. پس واجب است بر همه شهرها و کشورهای آنها تنها یک حکم و یک قانون حکومت کند، و تنها یک سیاست آنها را اداره کند، چنانچه در صدر اسلام اینگونه بود»<sup>(۲)</sup> و به بیان دقیق‌تر در تفکر اصیل توحیدی هرگز عواملی چون نژاد، زبان، قومیت، مرز جغرافیایی و سنت‌ها و فرهنگ‌ها نمی‌تواند به عنوان وسیله تفرقه و تجزیه و جدائی در میان امت اسلامی قابل قبول باشد و باید برای همه ملل اسلامی مسأله وحدت، آرمانی جوشیده از اعتقاد اسلامی تلقی گردد و هدف استراتژیکی اتحاد ملل اسلامی از هدف‌های اصیل قرآنی و توحیدی به شمار آید.<sup>(۳)</sup> از همین رو است که اصل یازدهم قانون اساسی، بر مبنای

۱. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام در باب لزوم همراهی با اهل سنت نقل شده است: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ يَا كُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يَغْيِرُونَا بِهِ فَإِنَّ وَكَلَةَ السَّوْءِ يَغْيِرُ وَاللَّذَّةُ بَعْمَلِهِ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعْتُمْ إِلَيْهِ زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شِينًا صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ لَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَإِنَّهُمْ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ قُلْتُ وَ مَا الْخَبَاءُ قَالَ التَّقِيَةُ» هشام کندی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «کاری که ما را به آن سرزنش می‌کنند، انجام ندهید؛ زیرا فرزند بدکار را که مردم در کار بدش سرزنش می‌کنند، پدرش را هدف سرزنش خود قرار می‌دهند. چون به ما وابسته شدید، زیور و زینت ما باشید و سبب ملامت و سرزنش ما نباشید. با جمعیت‌های اهل سنت نماز بخوانید و مریض‌های آنان را عیادت کنید و جنازه اموات آنان را تشییع نمایید و در هر کار خیری از آنان پیش‌قدم باشید و بر آنان سبقت بگیرید. به خدا سوگند عبادت نشده است خدا در چیزی مانند خبء، پرسیدم خبء چیست؟ فرمود تقیه.» (کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۹)

۲. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۵، ص ۲۳۵

۳. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «نخستین فرآورده‌ی سیاسی - انسانی اسلام، امت اسلامی است که از مدینه‌ی النبی آغاز شد و به صورتی حیرت آور و افسانه‌وار، قدم در راه رشد کمی و کیفی نهاد. هنوز نیم قرن از ولادت این پدیده‌ی مبارک نگذشته بود که نزدیک به نیمی از تمامی قلمرو سه تملک بزرگ باستانی همسایه‌ی خود، یعنی ایران، رم و مصر را در نوردید و یک قرن پس از آن،

اندیشه‌ی اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های کتاب و سنت، سیاست‌گذاری کلان جمهوری اسلامی ایران را در صحنه‌ی بین‌المللی بر پایه‌ی تلاش در جهت تشکیل امت واحده‌ی اسلامی استوار می‌نماید و دولت را موظف می‌سازد تا با کوشش پی‌گیر خود زمینه وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را فراهم نماید.<sup>(۱)</sup> لازم به ذکر است که مبتنی بر آموزه‌های دینی مذکور تشکیل امت واحده‌ی اسلامی به عنوان مطالبه‌ای عمومی در میان دولت‌های اسلامی قلمداد می‌گردد.<sup>(۲)</sup>

### مبحث سوم: عناصر و پایه‌های اساسی تشکیل امت واحده

همان‌گونه که پیش از این نیز ذکر گردید مفهوم «امت» به عنوان یکی از عناصر سازنده‌ی دولت-کشور در ادبیات حقوقی مدرن اشاره به گروهی از انسان‌ها دارد که در اثر عوامل پیوند دهنده‌ی مادی و معنوی به یکدیگر وابسته بوده و نسبت به

تمدنی درخشان و حکومتی عزیز و مقتدر در مرکز جهان پدید آورد که از شرق به دیوار چین و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس و از شمال تا استپهای سیبری و از جنوب تا جنوب اقیانوس هند می‌رسید. قرنهای سوم و چهارم هجری و پس از آن، مزین به تمدنی آن چنان مشعشع است که پس از هزار سال، هنوز برکات علمی و فرهنگی آن را در مدنیت کنونی جهان، می‌توان به‌وضوح دید»<sup>(۱۸/۹/۱۳۷۶-۱)</sup> بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۴۰  
 ۲. در این خصوص در مقدمه اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره، ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری) آمده است: «ضمن تأکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید، تا این امت یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید، تمدنی که می‌تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را به هم ببیوندد؛ لذا از چنین امتی، امروزه انتظار می‌رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج و مسلک‌هایی که در حال رقابت متضاد هستند اقدام نموده و راه حل‌هایی برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارائه دهد. و به جهت ایفای سهم خود در تلاش‌های بشری که مربوط به حقوق بشر است، حقوقی، که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافت‌مندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است... و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمین است، پس هیچ‌احدی به طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی، یا زیرپا نهادن یا چشم‌پوشی کردن از احکام الهی تکلیفی که خداوند از راه کتاب‌های خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به وسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی به عمل آورده است، ندارد. بنابراین، مراعات آنها، عبادت است و کوتاهی از آنها، یا تجاوز بر آنها، منکر است و هر انسانی به طور منفرد، مسؤول پاسداری و اجرای آن است و امت به گونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آن، مسؤولیت دارد.»

جماعت احساس تعلق می‌کنند. بر این اساس عوامل متعددی در تشکیل ملت دخالت دارند که این عوامل و عناصر بر اساس دو بینش آلمانی و فرانسوی متفاوت می‌باشد. نظریه آلمانی (نظریه عینی) بر عوامل قومی، نژادی، زبان و مذهب تکیه دارد؛ در حالی که نظریه فرانسوی (نظریه شخصی) بر اصل اراده زیست دسته جمعی استوار است و بر اساس این نظریه عوامل نژادی به تنهایی تعیین کننده نیستند، بلکه وقایع تاریخی همچون جنگ، مصائب مشترک و یا فتح و پیروزی و شادمانی را باید عامل تعیین کننده هویت یک ملت دانست و بنیانگذاری حیات ملی را در این خاطرات مشترک یافت. به بیان دیگر تعریف ملت و ملیت یا بر معیارهای عینی یا بر ملاک‌های ذهنی متکی است و زبان مشترک، مذهب مشترک، قومیت مشترک و فرهنگ مشترک همگی به منزله عناصری برای تشکیل یک ملت ذکر گردیده است. در این زمینه می‌توان گفت هر چند مشترکات زبانی، قومی، فرهنگی و آداب و رسوم مشترک، هر یک به گونه‌ای می‌تواند برای صورت‌بندی یک ملت به کار رود، اما هیچ‌کدام به تنهایی قادر به تشکیل گروه انسانی به عنوان یکی از عوامل تشکیل دولت-کشور نیست.<sup>(۱)</sup> اکنون آن‌چه ضروری به نظر می‌رسد بررسی این موضوع است که عناصر تشکیل دهنده مفهوم امت به عنوان مفهوم مشابه ملت در ادبیات اسلامی چیست؟ به بیان دقیق‌تر چه عناصری از آموزه‌های اسلامی به عنوان عامل پیوند مسلمانان در راستای تشکیل امت واحده اسلامی محسوب می‌گردد؟ آیا عناصر تشکیل دهنده امت اسلامی برگرفته از همان عناصر عینی و ذهنی مرسوم در حقوق غرب استوار گردیده است؟

با نگاهی به مجموعه تعالیم دین اسلام می‌توان به مجموعه عناصری همانند اعتقاد به توحید(مبدا مشترک)، اعتقاد به معاد (سرنوشت مشترک) و تاریخ مشترک میان مسلمانان دست‌یافت که تشکیل امت اسلامی برپایه‌ی این عناصر شکل می‌گیرد. در حقیقت با وجود آن‌که در مناطق مختلف جهان مسلمانان دارای مذهب، قومیت، نژاد، رنگ و طوایف مختلفی هستند، دارای خصوصیات و عوامل پیوندی مشترکی می‌باشند که آن‌ها را از سایر ملت‌ها متمایز می‌نماید و از آن‌جا که تشکیل امت واحده اسلامی بر اساس آموزه‌های اسلامی امری ضروری است، باید عناصر موثر و پایه‌های اساسی برای تحقق امت واحده را مورد بررسی قرار داد تا سیاست‌های کلی و

۱. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، ۱۳۸۸، صص ۵۶-۵۸

برنامه‌ریزی‌های کلان دولت‌های اسلامی بر پایه‌ی تحقق این عناصر و حرکت به سمت امت واحده‌ی اسلامی سامان یابد. عناصر موثر و پایه‌های اساسی تشکیل امت واحده را می‌توان در امور زیر برشمرد:

### گفتار اول: اعتقاد مشترک به مبداء (توحید)

اولین عنصر از عناصر سازنده و عوامل پیوند دهنده‌ی امت اسلامی، اعتقاد به توحید و یا اعتقاد مشترک به وجود مبداء واحد است. توحید یکی از ارکان و اصول دین اسلام و اعتقاد مشترک میان همه‌ی مسلمانان و از مختصات ویژه‌ی آموزه‌های اسلامی به شمار می‌آید؛ چرا که توحید اگر در سایر ادیان نیز مورد تاکید قرار گرفته اما یا به عنوان اصل نبوده و یا به جامعیت و کاملیت اسلام تعریف نگردیده است.<sup>(۱)</sup> مقصود از توحید اعتقاد به یگانگی خداوند و نفی هرگونه شریک برای او است. بر این اساس در اندیشه‌ی اسلامی کسی که توحید را انکار نماید و برای خداوند شریک قائل شود، مشرک تلقی می‌گردد.<sup>(۲)</sup>

در خصوص ارتباط میان توحید و امت واحده‌ی اسلامی نیز باید بیان نمود از آن‌جا که توحید در اندیشه‌ی اسلامی اعتقادی وحدت‌گرا بوده و مرکزیت تکوین و تشریح عالم توحید محسوب می‌شود، بر اساس آموزه‌های قرآنی یکی از عناصر پیوند و همبستگی امت اسلامی به شمار می‌آید. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید، و از راه‌های پراکنده (انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد»<sup>(۳)</sup> مبتنی بر این آیه، توحید تنها یک اصل دینی نیست، بلکه روح تمام تعلیمات اسلام می‌باشد و بیان‌گر اهمیت این اصل به عنوان صراط مستقیم در دایره‌ی تعلیمات اسلامی است.<sup>(۴)</sup> امام خمینی (ره) در مقام بیان اصل توحید به عنوان عنصر پیوند دهنده‌ی امت اسلامی می‌فرماید: «اگر همه ملت‌های

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر اصل توحید: ر.ک: نعمانی، شبلی، تاریخ علم کلام، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۶، ص ۵۳-۶۵

۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ه. ق، ج ۲، صص ۶۵۶ و ۶۵۷

۳. انْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ (سوره‌ی انعام: آیه ۱۵۳)

۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۱

اسلامی اغراض شخصی را کنار بگذارند و همه با هم به اسلام رو بیاورند و تحت لوای «لا اله الا الله» باشند، قدرت اول را در دنیا احراز می‌کنند؛ برای اینکه معنویت اسلام کمک آنهاست و خدای تبارک و تعالی پشتیبان». ایشان با اشاره به اشتراک در مبداء به عنوان یکی از عوامل وحدت امت اسلامی بیان می‌فرمایند: «باید وحدت کلمه داشته باشیم؛ وجهه ما یک چیز باشد: «الله». اگر دیدید در یک قیامی حزب حزب شد، بدانید خدا در کار نیست. اگر همه با هم متوجه یک نقطه باشند، دعوت به وحدت کلمه است، به وحدت عقیده است. وحدت عقیده، وحدت کلمه می‌آورد»<sup>(۱)</sup> امام<sup>(ره)</sup> در جای دیگر عامل دوام وحدت را محوریت الله اعلام می‌کند و می‌فرماید: «اگر برای خدا وحدت داشته باشیم، هر کیدی در مقابل ما ختنی است؛ برای اینکه این دشمنی، دشمنی با خداست؛ وقتی ما برای خدا این کار را کردیم، کسی اگر مخالفت کند، مخالفت با خدا کرده است. این وحدت دوام دار است، چون پشتوانه‌اش دائم است»<sup>(۲)</sup> در نتیجه اعتقاد به توحید به عنوان یکی از اعتقادات مشترک میان مسلمانان به عنوان عنصری پیوند دهنده در تشکیل امت اسلامی به شمار می‌رود و به بیان دیگر راهکار تحقق امت اسلامی از طریق اجتماع، زیر پرچم توحید محقق می‌گردد.

### گفتار دوم: تاریخ

یکی از عناصر تاثیرگذار در تشکیل مفهوم گروه انسانی به عنوان یکی از عوامل تشکیل دولت-کشور، که مورد تاکید معیار ذهنی نیز می‌باشد اصل اراده‌ی زیست دسته جمعی یا تاریخ است که بر وجود خاطره‌ی مشترک میان افراد ناشی از زندگی در بستر تطورات تاریخی استوار می‌باشد.<sup>(۳)</sup> این عنصر به عنوان یکی از عناصر پیوند دهنده‌ی امت اسلامی در آموزه‌های دینی مورد تاکید قرار گرفته است. به بیان دیگر از عناصر و عوامل همبستگی امت واحده اسلامی تاریخ است؛ حوادث و وقایع مهم و به یادماندنی که نقاط عطف تاریخ اسلامی محسوب می‌شود و به عنوان مبدا حیات

۱. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، صص ۵۱۰ - ۵۱۲

۲. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، صص ۲۰۷ - ۲۰۸

۳. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، ۱۳۸۸، ص ۵۸

اجتماعی مسلمانان قرار گرفته است. وقایعی همانند بعثت نبی مکرم اسلام (ص) هجرت ایشان از مکه به مدینه (سال سیزدهم بعثت)، تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، فتح مکه و ... به عنوان مهمترین وقایع صدر اسلام است که مورد اتفاق همه‌ی مسلمانان بوده و میان آنان نظام ارزشی مشترکی را پدید آورده است؛ در همبستگی و اتحاد امت اسلامی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. شاید همین عنصر موجب گردید تا پیامبر اکرم (ص) خود هجرت مسلمانان از مدینه به مکه را مبداء تاریخ اسلام قرار دهند.<sup>(۱)</sup> و امام خمینی (ره) نیز با در خطر دیدن این عنصر سازنده‌ی امت اسلامی به وسیله‌ی حکومت پهلوی، استفاده از تاریخ شاهنشاهی را حرام شرعی اعلام نمودند<sup>(۲)</sup> و به همین علت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل (۱۷)<sup>(۳)</sup> مبداء تاریخ رسمی کشور را هجرت پیامبر اکرم (ص) می‌داند. این در حالی است که متأسفانه بسیاری از کشورهای اسلامی بدون توجه به این عامل پیوند دهنده، تاریخ میلادی را به عنوان تاریخ رسمی پذیرفته و توجهی به مبدا هجرت پیامبر (ص) در قوانین اساسی خود نکرده‌اند.<sup>(۴)</sup>

۱. آیت الله سبحانی در ضمن تحلیل وقایع مربوط به هجرت بیان می‌دارد: «در تاریخ ملت اسلام، شخصیتی بالاتر از پیامبر اسلام (ص) و حادثه‌ای تکان دهنده‌تر و سودمندتر از هجرت نیست، زیرا با هجرت پیامبر (ص)، صفحه تاریخ بشر ورق خورد و پیامبر اسلام و مسلمانان جهان از محیط پرخفقان به محیط مساعد و آزاد گام نهادند. مردم بومی مدینه، از رهبر مسلمانان به گرمی استقبال کردند و قدرت و نیرو در اختیار آنان نهادند. چیزی نگذشت که به برکت همین هجرت، اسلام برای خود تشکیلات سیاسی و نظامی پیدا کرد و به صورت حکومتی نیرومند در شبه جزیره و پس از چندی در مجموع جهان درآمد و تمدن بزرگی را پی ریزی کرد که چشم بشر مانند آن را ندیده است. اگر هجرت رخ نمی‌داد، اسلام در همان محیط مکه دفن می‌گردید و جهان بشر از این فیض بزرگ محروم می‌ماند. از این‌رو، مسلمانان هجرت را سرآغاز تاریخ اتخاذ کردند. از آن روز تاکنون تقریباً ۱۴۰۰ سال می‌گذرد و این ملت، چهارده قرن حیات پرافتخار خود را پشت سر گذارده و در آستانه قرن پانزدهم قرار گرفته است.» (سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ص)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵، ص ۴۲۳)

۲. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه‌ی امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (ره)، تهران: موسسه مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، پاییز ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۷۱.

۳. مبداء تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

۴. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۵۴



**گفتار سوم: هدف و سرنوشت مشترک**

یکی دیگر از عوامل پیوند دهنده و عناصر سازنده‌ی مفهوم امت در اندیشه‌ی اسلامی اعتقاد به معاد است. به بیان دقیق‌تر از پایه‌های اساسی تشکیل امت واحده اسلامی هدف و سرنوشت مشترک مسلمانان می‌باشد. در این خصوص می‌توان بیان نمود همان‌گونه که همبستگی و وحدت امت اسلامی نیاز به مبداء پیوند دهنده، محور و منشا واحدی دارد، هدف واحد و همچنین مقصد واحدی را نیز می‌طلبد. بر همین اساس با نگاهی به آموزه‌های اسلامی به وضوح می‌توان ترسیم هدف و سرنوشت واحد برای همه‌ی بشریت را آموزه‌های اسلامی ملاحظه نمود. بر همین اساس اعتقاد به لزوم عمل بر اساس شریعت اسلام و اجرای احکام و حدود الهی به منظور دستیابی به سعادت و کمال دنیوی و اخروی از یکسو و اعتقاد به زندگی جاودانه‌ی انسان پس از مرگ به عنوان محوری اساسی برای وحدت امت اسلامی در نظر گرفته می‌شود، چرا که بر مبنای قرآن کریم در دارالسلام، برخلاف جامعه شرک و کفر، انسان‌ها در مسیر واحد (انالله و انا الیه راجعون<sup>(۱)</sup>) قرار دارند و هدف آن‌ها دستیابی به سعادت و کمال حقیقی است.

از این رو توحید و اجرای دین می‌تواند زمینه را برای تحقق عبودیت خداوند- که در قرآن کریم به عنوان فلسفه خلقت یاد شده است<sup>(۲)</sup>- و در نتیجه نیل بشر به سعادت و کمال بشر به طور کامل فراهم نماید؛ چرا که تمامی احکام الهی در راستای تأمین مصالح واقعی انسان‌ها وضع شده است و با تحقق دین، بشر به آن چه که باید، خواهد رسید. این موضوع در آیات کلام الله تحت عنوان معرفی امت اسلامی به عنوان امت برتر مورد توجه قرار گرفته است و خداوند متعال عناصر پایه‌ای لازم برای تشکیل امت واحده‌ی اسلامی را در این آیه بیان فرموده‌اند.<sup>(۳)</sup> بر اساس این آیه، دلیل بهترین

۱. سوره بقره: آیه ۱۵۶

۲. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند) (سوره ذاریات: آیه ۵۶)

۳. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكُوفُوا بِأَهْلِ الْكِتَابِ لِكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت بازمی‌دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب

امت بودن مسلمانان، ایمان به خدا و تلاش در راه تحقق اهداف حقیقی جامعه‌ی انسانی از طریق امر به معروف و نهی از منکر دانسته شده است.<sup>(۱) و (۲)</sup>

در نتیجه ایمان به هدف و سرنوشت مشترک به عنوان اصل پذیرفته شده‌ی اعتقادی در اندیشه‌ی اسلامی یکی از عناصر و عوامل پیوند دهنده‌ی امت اسلامی محسوب می‌گردد.

### گفتار چهارم: پیامبر اسلام و اعتقاد به پیشوای مشترک

یکی دیگر از عناصر پیوند دهنده‌ی امت اسلامی که به عنوان یکی از عوامل تشکیل دولت-کشور اسلامی نقش سازنده‌ای دارد، وجود پیامبر اعظم اسلام (ص) است. به بیان دقیق‌تر اعتقاد همه‌ی مسلمانان به پیامبر اسلام (ص) به عنوان فرستاده‌ی الهی برای نشان دادن مسیر سعادت و کمال به همه‌ی ابناء بشر و هدایت‌گر آنان به راه راست، یکی دیگر از عوامل همبستگی مسلمانان تحت عنوان «امت اسلامی» محسوب می‌گردد. بر این اساس مسلمین باید بر شخصیت پیامبر اعظم (ص) و تعالیم آن بزرگوار و محبت همه‌ی فرق اسلامی به ایشان به عنوان عامل پیوند دهنده‌ی امت اسلامی و محور وحدت مسلمانان توجه نمایند، چرا که تبعیت از پیغمبر (ص) به عنوان اصل قرآنی و دینی پذیرفته شده‌ی همه‌ی مسلمانان می‌باشد.<sup>(۳)</sup> قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «... آنچه را رسول خدا برای شما آورده است بپذیرید، و اجرا کنید، و آنچه را از آن نهی کرده از آن خودداری نمایید و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند شدید العقاب

ایمان می‌آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود برخی از آنان مؤمن [به قرآن و پیامبرند] و بیشترشان فاسقند» (سوره‌ی آل عمران: آیه ۱۱۰)

۱. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۴۸

۲. علامه‌ی طباطبایی در این زمینه بیان می‌دارد: «چون شما مسلمانان همگی ایمان به خدا دارید، و دو تا از فریضه‌های دینی خود یعنی امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهید، و معلوم است که کلیت و گستردگی این شرافت بر امت اسلام، از این جهت است که بعضی از افرادش متصف به حقیقت ایمان، و قائم به حق امر به معروف و نهی از منکرند، این بود حاصل آنچه که مفسرین در این مقام گفته‌اند.» (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۸۳)

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام و میهمانان خارجی شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۴/۵/۲۴

است»<sup>(۱)</sup> و یا در جای دیگری می‌فرماید: «همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می‌فرستند. ای اهل ایمان! بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشید»<sup>(۲)</sup> بر اساس تفسیر آیات فوق باید بیان نمود که در آموزه‌های اسلامی تبعیت از پیامبر اکرم (ص) به عنوان یکی از وظایف مسلمانان تلقی می‌گردد و از همین رو می‌توان آن را عاملی برای همبستگی و تشکیل امت اسلامی دانست. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «آنچه که برای ما مسلمان‌ها مهم است، این است که معرفت خود را نسبت به اسلام و پیغمبر گرامی اسلام (ص) زیاد کنیم. امروز در دنیای اسلام یکی از دردهای بزرگ، درد تفرقه و جدایی است. محور وحدت عالم اسلام، می‌تواند وجود مقدس پیغمبر (ص) - نقطه اعتقاد همه؛ نقطه تمرکز عواطف همه انسان‌ها- باشد. ما مسلمان‌ها هیچ نقطه‌ای را به این روشنی و به این جامعیت - مثل وجود مقدس پیغمبر (ص) - نداریم؛ که هم مسلمان‌ها به او معتقدند، هم علاوه بر اعتقاد، یک پیوند عاطفی و معنوی، دل‌ها و احساسات مسلمانان را به آن وجود

۱. مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (سوره‌ی حشر: آیه‌ی ۷) در تفسیر این آیه‌ی شریفه آمده است: «بر طبق این اصل همه مسلمانان موظفند اوامر و نواهی پیامبر ص را به گوش جان بشنوند و اطاعت کنند، خواه در زمینه مسائل مربوط به حکومت اسلامی باشد، یا مسائل اقتصادی، و یا عبادی، و غیر آن، به خصوص اینکه در ذیل آیه کسانی را که مخالفت کنند به عذاب شدید تهدید کرده است.» (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۰۸)

۲. إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (سوره‌ی احزاب: آیه‌ی ۵۶) در تفسیر این آیه در تفسیر نمونه آمده است: «در اینکه میان "صلوا" و "سلموا" چه فرقی است؟ مفسران بحث‌های مختلفی دارند، آنچه مناسب‌تر با ریشه لغوی این دو کلمه، و ظاهر آیه قرآن به نظر می‌رسد این است که: "صلوا" امر به طلب رحمت و درود فرستادن بر پیامبر است، اما "سلموا" یا به معنی تسلیم در برابر فرمان‌های پیامبر گرامی اسلام (ص) است چنان که در آیه ۶۵ سوره نساء آمده، ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (مؤمنان کسانی هستند که به داوری تو تن دهند و حتی در دل از قضاوت کمترین ناراحتی نداشته باشند و تسلیم مطلق گردند). چنان که در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: "ابو بصیر" از محضرش سؤال کرد منظور از "صلوات" بر پیامبر ص را فهمیده‌ایم، اما معنی تسلیم بر او چیست؟ امام فرمود: هو التسليم له في الامور: "منظور تسلیم بودن در برابر او در هر کار است" (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۱۷)

مقدس، متصل کرده است. این بهترین مرکز وحدت است.»<sup>(۱)</sup>

در نتیجه و در مقام جمع‌بندی از عوامل پیوند دهنده امت اسلامی می‌توان بیان نمود که بر اساس تعالیم دینی چهار عنصر توحید و اعتقاد به مبدء مشترک، تاریخ مشترک مسلمانان، اعتقاد به اهداف و سرنوشت مشترک و اعتقاد به وجود پیامبر اکرم (ص) به عنوان پیشوا و رهبر مشترک به عنوان عوامل همبستگی و عناصر پیوند دهنده امت اسلامی محسوب می‌گردد. بر این اساس اندیشه‌ی سیاسی اسلام با تعریف عناصر سازنده‌ی امت اسلامی به دنبال ایجاد یکی از عناصر سازنده‌ی دولت-کشور اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌باشد. علامه‌ی طباطبایی در مقام تبیین نظریه‌ی اسلام در خصوص عوامل تفکیک حکومت اسلامی از سایر حکومت‌ها ضمن رد همبستگی مبتنی بر نژاد و قبیله و مانند این‌ها؛ به بیان علل تشریح اعتقادات دینی از جمله اعتقاد به توحید، معاد، پیامبر (ص) و ... به عنوان عنصر پیوند دهنده‌ی امت اسلامی می‌پردازد و در این زمینه می‌فرماید: «اسلام مساله تاثیر انشعاب قومی در پدید آمدن اجتماع را لغو کرده، (یعنی اجازه نمی‌دهد صرف اینکه جمعیتی در قومیت واحدند باعث آن شود که آن قوم از سایر اقوام جدا گردند و برای خود مرز و حدود جغرافیایی معین نموده و از سایرین متمایز شوند)، برای اینکه عامل اصلی در مساله

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت هفدهم ربیع‌الاول: ۱۳۷۹/۳/۳۱ - ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «نام و یاد و محبت و حرمت و تکریم این بزرگوار، محور اصلی برای تجمع همه‌ی آحاد مسلمان در همه‌ی دوره‌های اسلامی است. هیچ نقطه‌ی دیگری در مجموعه‌ی دین وجود ندارد که این طور از همه‌ی جهات - هم جهات عقلی، هم جهات عاطفی، هم جهات روحی و معنوی و اخلاقی - مورد قبول و توافق و تفاهم همه‌ی فرق و آحاد مسلمین باشد. این، آن نقطه‌ی مرکزی و محوری است. قرآن و کعبه و فرایض و عقاید، همه مشترکند؛ اما هر کدام از اینها، یک بُعد از شخصیت انسان - مثل اعتقاد، محبت، گرایش روحی، حالت تقلید و تشبّه و تخلق عملی - را به خود متوجه می‌کند. وانگهی در میان مسلمانها، غالب این چیزهایی که گفته شد، با تفسیرها و دیدگاههای مختلف مورد توجه است؛ اما آنچه که همه‌ی مسلمانها از لحاظ فکر و اعتقاد و - مهمتر از عاطفه و احساس - وحدت و تفاهم، روی او اشتراک دارند، وجود مقدس پیامبر خاتم و نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) است. این نقطه را باید بزرگ شمرد. این محبت را باید روزبه‌روز بیشتر کرد و این گرایش معنوی و روحی به آن وجود مقدس را باید در ذهن مسلمین و در دل آحاد مردم تشدید کرد.» (سخنرانی در دیدار با قاریان چهل کشور جهان و جمعی از روشن‌ضمیران، در سالروز بعثت رسول اکرم (ص)، ۱۳۶۸/۱۲/۱۴)

قومیت، بدویت و صحرائشینی است، که زندگی در آنجا قبیله‌ای و طایفه‌ای است و یا عاملش اختلاف منطقه زندگی و وطن ارضی است و این دو عامل، یعنی "بدویت" و "اختلاف مناطق زمین" -همانطور که در محل خودش بیان شد- از جهت آب و هوا، یعنی حرارت و برودت و فراوانی نعمت و نایابی آن، دو عامل اصلی بوده‌اند تا نوع بشر را به شعوب و قبائل منشعب گردانند، که در نتیجه زبان‌ها و رنگ پوست بدن‌ها و ... مختلف شود. سپس باعث شده که هر قومی قطعه‌ای از قطعات کره زمین را بر حسب تلاشی که در زندگی داشته‌اند به خود اختصاص دهند، اگر زورشان بیشتر و سلحشورتر بوده قطعه بزرگ‌تری، و اگر کمتر بوده، قطعه کوچک‌تری را خاص خود کنند، و نام وطن بر آن قطعه بگذارند، و به آن سرزمین عشق بورزند، و با تمام نیرو از آن دفاع نمودند و این معنا هر چند در رابطه با حوائج طبیعی بشر پیدا شده، یعنی حوائج او که فطرتش به سوی رفع آن سوقش می‌دهد، وادارش کرده که این مرزبندی‌ها را بکند، (و از دیگران هم بپذیرد) ولی امری غیر فطری هم در آن راه یافته است و آن این است که فطرت اقتضا دارد که تمامی نوع بشر در یک مجتمع گرد هم آیند، زیرا این معنا ضروری و بدیهی است، که طبیعت دعوت می‌کند به اینکه قوای جدای از هم دست به دست هم دهند، و با تراکم یافتن تقویت شوند و همه یکی گردند، تا زودتر و بهتر به هدف‌های صالح برسند ... در حالی که انشعابات وطنی درست عکس این را نتیجه می‌دهد، یعنی اهل یک وطن هر قدر متحدتر و در هم فشرده‌تر شوند، از سایر مجتمعات بشری بیشتر جدا می‌گردند، اگر متحد می‌شوند واحدی می‌گردند که روح و جسم آن واحد از واحدهای وطنی دیگر جدا است، و در نتیجه انسانیت وحدت خود را از دست می‌دهد و تجمع جای خود را به تفرقه می‌دهد و بشر به تفرق و تشتتی گرفتار می‌شود که از آن فرار می‌کند و به خاطر نجات از آن دور هم جمع شده جامعه تشکیل داد، و واحدی که جدیداً تشکیل یافته شروع می‌کند به اینکه با سایر آحاد جدید همان معامله‌ای را بکند که با سایر موجودات عالم می‌کرد، یعنی سایر انسان‌ها و اجتماعات را به خدمت می‌گیرد، ... و همین معنا باعث شده که اسلام اعتبار اینگونه انشعاب‌ها و چند دستگی‌ها و امتیازات را لغو اعلام نموده، اجتماع را بر پایه عقیده بنا نهد نه بر پایه جنسیت، قومیت، وطن و امثال آن... و نیز مدار و معیار را توحید قرار داده نه منزل و وطن و امثال آن را، و از بهترین شواهد بر این معنا

نکته‌ای است که هنگام بررسی شرایع این دین به چشم می‌خورد، و آن این است که می‌بینیم مسأله توحید را در هیچ حالی از احوال مهمل نگذاشته و بر مجتمع اسلامی واجب کرده که حتی در اوج عظمت و اهتزاز بیرق پیروزی دین را بپا بدارد، و در دین متفرق نشود و نیز در هنگام شکست خوردن از دشمن و ضعف و ناتوانی تا آنجا که می‌تواند در احیای دین و اعلا‌ی کلمه توحید بکوشد، و بر این قیاس مسأله توحید و اقامه دین را در همه احوال لازم شمرده.<sup>(۱)</sup>

### مبحث چهارم: تحلیل حقوقی امت اسلامی

پس از آن‌که عناصر و عوامل همبستگی گروه انسانی مسلمان به عنوان عوامل پیوند دهنده‌ی سیاسی در راستای تشکیل امت واحده‌ی اسلامی روشن گردید، ضروری است که مفهوم امت اسلامی از دیدگاه حقوقی نیز مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور ابتدا به بررسی مفهوم و جایگاه تابعیت در «امت واحده‌ی اسلامی» پرداخته و سپس مولفه‌های سازنده‌ی قدرت اجتماعی امت اسلامی را بیان می‌داریم.

#### گفتار اول: تابعیت در امت واحده‌ی اسلامی

تابعیت خصلتی حقوقی و سیاسی است که به موجب آن شخص متعلق به کشور معین بوده و از حقوق و تکالیف مشخصی بهره‌مند می‌گردد.<sup>(۲)</sup> به بیان دقیق‌تر تابعیت عبارت است از عضویت اشخاص در جمعیت تشکیل دهنده‌ی یک نظام سیاسی، که بیان‌گر نوع رابطه‌ی حقوقی، سیاسی و معنوی آنان با دولت متبوع می‌باشد و ثمره‌ی آن نیز بهره‌مندی از حقوق و الزام به انجام تکالیفی است که به موجب قوانین کشور برای تابعان آن وجود دارد.<sup>(۳)</sup> در حقیقت تابعیت تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل دهنده‌ی دولت است.<sup>(۴)</sup> تابعیت یا از بدو تولد از سوی دولت به شخص تحمیل

۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۴، صص ۱۹۷ و ۱۹۸

۲. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، ۱۳۸۸، ص ۵۹

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵ و ایوانز گراهام، نونام جفری، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه مشیرزاده حمیرا، شریفی حسین، نشر میزان، تابستان ۱۳۸۱، ص ۵۲۸

۴. سلجوقی، محمود، حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول، نشر میزان، چاپ هشتم، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۳۷

می‌گردد که به آن تابعیت اصلی گفته می‌شود و یا فرد پس از تولد آن را کسب می‌نماید که به آن تابعیت اکتسابی یا اشتقاقی می‌گویند.<sup>(۱)</sup> نظام‌های حقوقی موجود در دنیا به منظور اعطای تابعیت اصلی به هر یک از شهروندان خود، از یکی از معیارهای خاک یا خون و یا ترکیبی از آنها استفاده می‌نمایند. بر اساس سیستم خاک تابعیت هر شخص بر اساس محل تولد او مشخص می‌گردد و بر اساس سیستم خون تابعیت از طریق نسب به طفل منتقل می‌گردد. به بیان دیگر به محض تولد، طفل تابعیت یکی از پدر یا مادر را به دست می‌آورد.<sup>(۲)</sup> به منظور کسب تابعیت سایر کشورها نیز معیارهای متنوعی به وسیله‌ی نظام‌های حقوقی گوناگون پذیرفته شده است که برای نمونه می‌توان به انجام خدمات عمومی برای مدت زمانی مشخص، ازدواج، فرزندخواندگی و... اشاره نمود.

این در حالی است که بر اساس اندیشه‌ی اسلامی همه‌ی مسلمانان دارای تابعیت حکومت اسلامی هستند و معیار کسب و سلب تابعیت، هیچ‌یک از معیارهای خاک و خون به صورت مطلق نمی‌باشد. در آموزه‌های دینی معیار پیوند حقوقی افراد با حکومت و اعطای تابعیت به افراد بر پایه‌ی ایمان به خداوند متعال است.<sup>(۳)</sup> بر خلاف نظام‌های حقوقی متعارف، معیار اعطای تابعیت و شهروندی حکومت اسلامی ایمان و اعتقاد او به آموزه‌های دین مبین است. بر این اساس هر نوزادی که هنگام انعقاد نطفه یکی از پدر یا مادر او دارای دین اسلام باشند، دارای تابعیت دولت اسلامی و عضوی از امت اسلامی تلقی می‌گردد و علاوه بر این هر غیر مسلمان بالغی که اسلام بیاورد، تابعیت دولت اسلامی را کسب می‌کند.<sup>(۴)</sup>

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵ - ناصحی، علی، تابعیت و اصول و قواعد حاکم بر آن، پیک نور، ۱۳۸۳، شماره ۳، ص ۶۳
۲. نصیری، محمد، حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر آگه، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۰، ص ۳۳ - ناصحی، علی، تابعیت و اصول و قواعد حاکم بر آن، پیک نور، ۱۳۸۳، شماره ۳، صص ۶۲ و ۶۳
۳. هر چند در حکومت اسلامی به اهل کتاب نیز بر پایه‌ی پیمان و معاهده‌ی آنان با حکومت تابعیت اعطا می‌گردد و بر این اساس علاوه بر فرد طرف پیمان، فرزندان، همسر و دیگر افراد تحت تکفل او نیز به تابعیت دولت اسلامی در می‌آیند. (قشقاوی، هادی، آیین دادرسی اسلامی در مورد غیر مسلمانان از دیدگاه فقه امامیه، فقه اهل بیت، شماره ۴۵، (۲۰۵ تا ۲۴۸)، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸)
۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۲، ص ۳۱۱

## گفتار دوم: مولفه‌های سازنده‌ی قدرت امت اسلامی

لازم به ذکر است که علاوه بر عناصر همبستگی که موجب پیوند امت اسلامی می‌گردد، در آموزه‌های اسلامی می‌توان عناصری را یافت که از آن‌ها به عنوان مولفه‌های «سازنده‌ی قدرت اجتماعی» تعبیر می‌گردد. در حقیقت با مراجعه به تعالیم و احکام اسلامی، اوامری از ناحیه‌ی خداوند متعال مشاهده می‌شود که هر چند عنصر و عامل پیونددهنده‌ی امت اسلامی محسوب نمی‌گردد، اما نتیجه‌ی تحقق آن‌ها در عرصه‌ی اجتماعی افزایش قدرت و توان عنصر جمعیت در تشکیل دولت کشور اسلامی خواهد بود. بر اساس آموزه‌های اسلامی این مولفه‌ها عبارتند از: اخوت<sup>(۱)</sup>، تعاون<sup>(۲)</sup>، تعقل و حکمت<sup>(۳)</sup>، تشاور<sup>(۴)</sup> و تفقه<sup>(۵)</sup>. برای نمونه مقصود از اخوت ایجاد شبکه‌ی نظام‌مند اجتماعی گسترده جهت ارتباط مسلمانان با یکدیگر می‌باشد که در روایات از آن تحت عنوان «تواصل و تزاور»<sup>(۶)</sup> یاد گردیده است و مبنای ارتباط متقابل

۱. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید) (سوره حجرات: آیه ۱۰)

۲. وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است) (سوره مائده: آیه ۲)

۳. كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می‌کند، باشد که ببینید) (سوره بقره: آیه ۲۴۲)

۴. وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (و آنان که دعوت پروردگارش را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند) (سوره شوری: آیه ۳۸)

۵. وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (مؤمنان را نسزد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند چرا از هر جمعیتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند باشد که [از مخالفت با خدا و عذاب او] بپرهیزند) (سوره توبه: آیه ۱۲۲)

۶. امام علی (ع) می‌فرماید: و علیکم بالتواصل و التبادل و ایاکم و التدابر و التقاطع (و بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری گزیدن از جدائی و پشت کردن به یکدیگر) (نهج البلاغه: نامه‌ی ۴۷) و همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَؤُوا وَ تَرَاحَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً أَبْرَارًا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ (همان گونه که خدای عزوجل به شما دستور داده، با هم پیوند داشته باشید، به یکدیگر نیکی کنید، و برادرانی نیکوکار باشید) (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیة،



مبتنی بر دین می‌گردد. تعاون بر بر و تقوا نیز به عنوان یکی دیگر از مولفه‌های سازنده‌ی قدرت اجتماعی امت اسلامی، به مفهوم یاری نمودن یکدیگر در دستیابی به اهداف طراحی شده برای حکومت است. «بر و تقوا» به عنوان دو اصطلاح قرآنی بیان‌گر محورهای اصلی و اساسی تعاون و مشارکت در اندیشه‌ی اسلامی است. این دو کلمه در حقیقت همه‌ی نظام ارزشی اسلام را در خود جای داده است و تشخیص آن نیز برای همگان به آسانی امکان‌پذیر است. در حقیقت هر انسانی که به آموزه‌های اسلامی اعتقاد دارد توانایی تشخیص «بر و تقوا» داشته و در موارد اختلاف نیز می‌تواند ارزش‌های مشترک را معیار بازشناسی آن قرار دهد. در نتیجه «بر و تقوا» کلیه‌ی فعالیت‌های مفید و هر نوع فعالیت فکری و عملی است که انسان را رشد و ارتقاء می‌بخشد و شامل همه‌ی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه می‌گردد.<sup>(۱)</sup> در کنار این دو عنصر، عنصر سوم که وظیفه‌ی تنظیم‌گری روابط اجتماعی مبتنی بر اخوت و تعاون را بر عهده دارد؛ مولفه‌ی حکمت و تعقل است. این مولفه موجب ایجاد پیوندهای عاقلانه و حکیمانه و ساماندهی امور مبتنی بر عقل و حکمت است. مولفه‌ی دیگر عنصر مشورت در حکومت اسلامی است که در آیات قرآن کریم به عنوان یکی از خصوصیات جامعه‌ی اسلامی ذکر گردیده است. این مولفه مانع جلوگیری از هلاکت، تفرقه و نابودی<sup>(۲)</sup> امت اسلامی می‌گردد. بر این اساس، مولفه‌های سازنده‌ی قدرت اجتماعی در حکومت اسلامی دارای ریشه‌های قرآنی بوده و در شکل‌گیری امت اسلامی نقش قابل توجهی ایفا می‌نماید و علاوه بر آن که

۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۷۵

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ هـ. ق، ج ۳، صص ۴۵۷ و ۴۵۸

۲. برای نمونه در روایات شیعه در خصوص فواید مشورت آمده است: «کسی که به نظر خود استبداد بورزد نابود خواهد شد، و کسی که با مردم مشورت کند در خرد آنان شریک شده است» (امام علی(ع))، «کسی که از نظرهای مختلف استقبال کند به اشتباهات پی می‌برد» (امام علی(ع)) و «کسی که می‌خواهد جماعت شما را متفرق، امر امت را غصب کند و بدون مشورت بر مردم حکومت راند، او را بکشید، که همانا خداوند چنین قتلی را مجاز شمرده است» (پیامبر اکرم(ص)) به نقل از منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۳، صص ۸۰-۸۶

می‌تواند به تشکیل امت واحده‌ی اسلامی منجر گردد، موجب استحکام درونی امت می‌گردد و سرمایه‌های اجتماعی اسلامی نیز به حساب می‌آید. در حقیقت با نگاهی به شریعت اسلام می‌توان دریافت که در آموزه‌های دینی علاوه بر آن‌که عناصر و پایه‌های تشکیل امت اسلامی بیان شده، مولفه‌هایی در راستای تحقق مفهوم امت و استحکام درونی آن به عنوان تکالیف اجتماعی مسلمانان تبیین شده؛ که حفظ و حراست از امت واحده‌ی اسلامی منوط به تحقق عینی این مولفه‌ها است. به بیان دقیق‌تر هر چند اعتقاد به مبدا مشترک، هدف و سرنوشت مشترک، پیشوای مشترک و تاریخ مشترک میان مسلمانان تشکیل امت اسلامی را پایه‌ریزی می‌کند اما تحقق مولفه‌های امت همانند اخوت، تعاون، تعقل و حکمت، ت샤ور و تفقه به مفهوم امت اسلامی اثر عینی و بروز خارجی می‌بخشد.

### مبحث پنجم: امت واحده اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تا کنون روشن گردید که تشکیل امت واحده‌ی اسلامی به عنوان یکی از عناصر و عوامل بنیادین در تشکیل دولت اسلامی، دارای مبانی قرآنی و روایی متعددی است و آموزه‌های اسلامی علاوه بر آن‌که به اصل تشکیل امت اسلامی اشاره نموده، عناصر و عوامل پیوند دهنده‌ی امت اسلامی را فارغ از عناصر مرسوم در حقوق مدرن بیان داشته و همچنین مولفه‌های سازنده‌ی قدرت اجتماعی امت اسلامی را نیز تبیین کرده است. اما آنچه اکنون محل بحث و تامل جدی به نظر می‌رسد، تحلیل و بررسی ارتباط میان مفهوم امت واحده‌ی اسلامی و مفهوم ملت جمهوری اسلامی ایران است. در تبیین این موضوع باید بیان نمود که مطابق با اصول گوناگون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اغلب الزامات ناشی از این قانون در محدوده‌ی سرزمینی ایران و برای دولت-کشور جمهوری اسلامی ایران بوده و مخاطبان این قانون نیز گروه انسانی مشخصی هستند که در سرزمین ایران زندگی می‌کنند و در ویژگی‌های تاریخ، نژاد، آداب و رسوم و مانند این‌ها با یکدیگر اشتراکاتی دارند که به عنوان عوامل پیونددهنده‌ی آن‌ها محسوب می‌شود و همچنین تحت حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران بوده و دارای تابعیت این کشور هستند. این در حالی است که بر اساس مطالب بیان شده، امت اسلامی مبتنی بر اعتقاد به آموزه‌های اسلامی شکل می‌گیرد و متشکل از همه‌ی معتقدان به تعالیم اسلامی است. اصل ۱۱ قانون اساسی نیز مبتنی بر

آموزه‌های فقه شیعه، دولت جمهوری اسلامی را موظف می‌نماید تا سیاست‌های کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. بر این مبنا رویکرد قانون اساسی به موضوع تشکیل امت واحده‌ی اسلامی تنها موضوعی شعاری، توصیه اجتماعی، نیاز مقطعی، تاکتیک سیاسی و مصلحت‌آمیز و اقدام عملی برای حفظ منافع مشترک به حساب نمی‌آید، بلکه راهبرد و رویکردی استراتژیک در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران است.<sup>(۱)</sup> در نتیجه اکنون آن‌چه ضروری به نظر می‌رسد بررسی اصل ۱۱ قانون اساسی و حکم الزام به حرکت در مسیر تشکیل امت واحده‌ی اسلامی با وضعیت فعلی قانون اساسی در خصوص ملت ایران است که در ادامه به بررسی مهم‌ترین موضوعات حول محور ارتباط امت اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت:

### گفتار اول: واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی توأمان در قانون اساسی

در این خصوص باید بیان نمود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به نگارش درآمده است، از یکسو با نگاهی واقع‌گرا اقدام به اساسی‌سازی موضوعات مرتبط با مرزهای جغرافیایی کشور ایران و حقوق و وظایف ملت ایران نموده است و از سوی دیگر با نگاهی آرمانی و مطلوب، تشکیل امت واحده‌ی اسلامی را به عنوان هدف متعالی و وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی معرفی می‌نماید. از همین رو باید میان دو حوزه‌ی وضعیت موجود (نگارش قانون اساسی برای ملت ایران) و وضعیت مطلوب (تلاش در جهت تشکیل امت واحده‌ی

۱. مقدمه‌ی قانون اساسی در این زمینه بیان می‌دارد: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان‌هذه امتکم امه واحده و اناریکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.» همچنین درباره نگاه استراتژیک به مسأله وحدت امت اسلامی، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «این امر (وحدت) را یک مسأله استراتژیک می‌دانم یک مسأله تاکتیکی و مصلحتی نیست که حالا بگوئیم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباط داشته باشیم، ما این انگیزه صحیح مسأله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسأله اساسی قرار داده‌ایم» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۶)

اسلامی با حضور همه‌ی معتقدین به اسلام) تفکیک قائل شد. هر چند همان‌گونه که در متن اصل ۱۱ نیز به صراحت ذکر گردیده، این آرمان‌گرایی مستلزم سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تلاش دائمی دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

### گفتار دوم: تشکیل امت اسلامی و جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران

همه‌ی اصول قانون اساسی باید در راستای تحقق امت واحده‌ی اسلامی تبیین و تفسیر گردد. در تبیین این موضوع باید بیان نمود که بر اساس تکلیف قانون اساسی، دولت ایران مکلف است تمامی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود را بر پایه‌ی تشکیل امت اسلامی قرار دهد و تشکیل امت واحده‌ی اسلامی در سه فرض امکان‌پذیر است: فرض اول تحقق امت اسلامی با تاکید بر حفظ حاکمیت ملی کشورهای اسلامی است. در این فرض مفهوم «امت اسلامی» مفهومی انتزاعی بوده و صرفاً آثار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تشکیل امت واحده مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در حالی که از منظر حقوقی هر یک از دولت-کشورها حاکمیت ملی (اعم از ساختارهای حقوقی و قوانین اساسی) خود را حفظ می‌نمایند.<sup>(۱)</sup> فرض دوم مبتنی بر تشکیل کنفدراسیون

۱. به نظر می‌رسد مهم‌ترین اقدام کشورهای اسلامی در این زمینه تشکیل «سازمان کنفرانس اسلامی» (OIC) می‌باشد که از سال ۲۰۱۱ به «سازمان همکاری اسلامی» تغییر نام داده است. سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین نهاد فعال در میان کشورهای اسلامی بوده که تحت شرایط خاص سیاسی و اقتصادی، در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی تشکیل گردیده است. احساس نیاز به این سازمان در اثر فروپاشی کامل دولت عثمانی و تفکیک بسیاری از کشورهای اسلامی که فقدان وحدت مسلمانان را آشکار نموده بود، بیش از پیش ظاهر گشت و سرانجام در سال ۱۹۶۹ توطئه‌ی آتش‌سوزی مسجدالاقصی در فلسطین اشغالی اندیشه‌ی همبستگی اجتماعی را بار دیگر زنده نمود و به دعوت پادشاه مراکش، سران کشورهای اسلامی در رباط جمع شده و زمینه‌ی بنیان‌گذاری یک سازمان متشکل اسلامی را فراهم نمودند. در حال حاضر ۵۵ کشور مسلمان و جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر با منابع اقتصادی فراوان در این سازمان عضویت دارند. در این دوره‌ی بیش از ۵۰ ساله، سران و مقامات کشورهای اسلامی بارها در قالب سازمان کنفرانس اسلامی دور هم جمع شده و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را ارزیابی کرده‌اند. اما هر چند این نهاد در باب انسجام کشورهای اسلامی و تحقق امت واحده گام‌های نظری و عملی برداشته است، اما محصول و دستاوردهای آن نسبت به اهداف و برنامه‌های طراحی شده در جهت انسجام و یکپارچگی اسلامی و از همه مهم‌تر واقعیت‌های عینی موجود در جهان اسلام بسیار کم‌رنگ و نا کامیاب به نظر می‌رسد. (همایون مصباح، سید حسین، کارنامه‌ی سازمان کنفرانس اسلامی در باب انسجام اسلامی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۶۷ و ۶۸، (از ۲۳۵ تا ۲۶۰)، ۱۳۸۶، صص ۲۵۹ و ۲۶۰)

کشورهای اسلامی است. مقصود از کنفدراسیون کشورها، اراده‌ی چند کشور مستقل به منظور پایداری و نیرومندی خویش در زمینه‌های دفاعی، سیاسی، اقتصادی و مانند این‌ها است که طی معاهده‌ای با خصلت بین‌المللی میزان مشخصی از حاکمیت خویش را به یک سازمان مشترک واگذار می‌نمایند و پایه‌های یک کنفدراسیون را شکل می‌دهند. در فرض تشکیل کنفدراسیون، همچنان حاکمیت سیاسی و حقوقی کشورهای عضو حفظ می‌گردد و دولت‌ها تنها از طریق یک معاهده‌ی بین‌المللی بخشی از صلاحیت‌های خود را به صورت ارادی به نهادهای تشکیل شده به این منظور که اغلب متشکل از نمایندگان کشورهای عضو می‌باشد؛ می‌سپارند.<sup>(۱)</sup> همان‌گونه که بیان گردید، در این فرض که کشورهای اسلامی به منظور تحقق امت واحد به عنوان دستوری دینی اقدام به تشکیل کنفدراسیون (اتفاق) کشورهای اسلامی نمایند؛ همچنان حاکمیت سیاسی و حقوقی آن‌ها بدون تغییر باقی خواهد ماند.

در فرض سوم نیز مبتنی بر اتحاد دول اسلامی (فدرالیسم) بنیان می‌گردد. فدراسیون یا اتحاد دولت‌ها پیوند سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و حتی شخصیت حقوقی دو یا چند کشور به منظور ایجاد قدرت بزرگ‌تر و فراگیرتر و ایجاد شخصیت والاتر در نظام بین‌المللی می‌باشد. بر این اساس هر یک از دول عضو، صلاحیت‌های سیاسی و سازمانی مشخصی دارند و به تعبیر دقیق‌تر دارای بخشی از حاکمیت می‌باشند. (قانون خودمختاری) علاوه بر این، نهادهای مشترک و شاملی که قلمرو فعالیت آن‌ها کلیه اعضای کشور را در بر می‌گیرد و در سطح فراتری از دولت‌های عضو دارای اختیار می‌باشد، تشکیل می‌گردد. (قانون فراداشت) و همچنین دولت‌های عضو در سرنوشت کشور واحد مشارکت و تاثیرگذاری فعال دارند. (قانون مشارکت) در این صورت همه‌ی کشورهای عضو در سطح بین‌الملل، شخصیت حقوقی، تابعیت سیاسی اعضا، سرزمین و حاکمیت سیاسی دارای یگانگی هستند.<sup>(۲)</sup> بر اساس این فرض، در صورتی که همه‌ی کشورهای اسلامی، بخشی از حاکمیت خود را به نهادهای مرکز تشکیل شده به وسیله‌ی دول عضو منتقل نمایند و خود به عنوان ایالات دولت اسلامی که دارای بخشی از

۱. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۸۷

۲. همان، صص ۹۰-۹۲

حاکمیت در عرصه‌ی داخلی است اقدام به حکمرانی نمایند، دولت فدرال اسلامی تشکیل گردیده است. در این صورت حاکمیت ملی و شخصیت حقوقی هر یک از کشورهای عضو به دولت فدرال واگذار می‌گردد و کشورها تنها در حیطه‌ی مرزهای داخلی خود و در محدوده‌ی مشخص دارای صلاحیت اعمال اقتدار می‌باشند.

همان‌گونه که از دو فرض نخست پیدا است، در صورت ایجاد انتزاعی امت اسلامی و یا تشکیل کنفدراسیون کشورهای اسلامی همچنان حاکمیت ملی در نظام جمهوری اسلامی بدون کمترین خدشه‌ای پا برجا باقی خواهد ماند، اما آن‌چه جای سوال دارد بررسی و مطالعه‌ی امکان‌سنجی تشکیل دولت اسلامی فدرال و قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ایالات عضو آن، مبتنی بر آموزه‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است؟

در مقام پاسخ‌گویی به این سوال باید بیان نمود که در بررسی ظاهری قانون اساسی با اصولی همانند اصول ۹ (حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور)<sup>(۱)</sup>، ۱۸ (پرچم رسمی جمهوری اسلامی ایران)<sup>(۲)</sup>، ۴۱ (تابعیت کشور ایران)<sup>(۳)</sup>، ۷۸ (تغییر در مرزهای کشور ایران)<sup>(۴)</sup>، ۱۵۲ (سیاست خارجی ایران)<sup>(۵)</sup>، ۱۵۳ (عدم سلطه‌ی

۱. در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع راه، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

۲. پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است.

۳. تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

۴. هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط اینکه یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

۵. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جوئی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

بیگانگان بر منابع ملی ایران)<sup>(۱)</sup>، ۱۷۶ (ایجاد ساختار حقوقی به منظور حفظ حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و منافع ملی ایران)<sup>(۲)</sup>، ذیل اصل ۱۷۷ (اصول غیر قابل تغییر در نظام سیاسی ایران)<sup>(۳)</sup> و مانند این‌ها مواجه خواهیم شد که این دسته از اصول بیان‌گر هویت مستقل، لزوم حفظ حاکمیت و مرزهای سرزمینی و ممانعت از سلطه‌ی بیگانگان بر منابع جمهوری اسلامی ایران است.

با این وجود به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از اصول مذکور و سایر اصول مرتبط قانون اساسی، با تشکیل «امت واحده‌ی اسلامی» و وحدت ملل اسلامی در قالب ایجاد دولت-کشور فدرال اسلامی و تبدیل هر یک از کشورهای موجود (از جمله جمهوری اسلامی ایران) به یک ایالت آن مغایر نیست؛ چرا که بر مبنای قانون خودمختاری به عنوان یکی از اصول تشکیل دولت-کشورهای فدرال، هر یک از کشورهای عضو دارای صلاحیت‌های خود هستند، صلاحیت‌هایی که اولاً دارای خصوصیت سیاسی و سازمانی بوده و ثانیاً ضمانت اجرایی برای تحقق دائمی قانون خودمختاری تلقی می‌گردد.<sup>(۴)</sup> مطالعه‌ی نظام حقوقی ایالات متحده‌ی آمریکا به عنوان بارزترین مصداق دولت-کشورهای فدرال نیز نمایان‌گر همین موضوع است که هر یک از ایالات، سازمان سیاسی و اداری خود را دارند، مشروط بر آن‌که با قانون اساسی حکومت مرکزی مغایرتی نداشته و شکل جمهوری داشته باشد. بر این اساس همه‌ی ایالات عضو دارای قانون اساسی و قوای مقننه، مجریه و قضاییه مستقل از دولت فدرال هستند که ساختارها و نهادهای حقوقی ایالت را مشخص می‌نماید.<sup>(۵)</sup> بر این اساس، از آن‌جا که در صورت تشکیل دولت-کشور اسلامی در قالب رژیم سیاسی فدرال، هر

۱. هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

۲. به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد ....

۳. ... محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.

۴. غمامی، سید محمد مهدی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۹۰، ص ۹۴.

۵. قاضی، باسته‌های حقوق اساسی، همان، صص ۹۴ و ۹۵.

یک از ایالات عضو دارای قانون اساسی و ساختارهای سیاسی خود در مرزهای مشخص تعیین شده می‌باشند، لذا در چنین فرضی موجودیت جمهوری اسلامی ایران و قوای حاکم بر آن حفظ می‌گردد و می‌تواند عاملی برای تحقق کامل اصل ۱۱ قانون اساسی و راهکاری برای وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تلقی شود. بر این اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مرزهای سرزمینی آن لازم الاجراست، ایران به عنوان یکی از ایالات دولت اسلامی تلقی گردیده و در حوزه‌های تعیین شده بخشی از حاکمیت خویش را به دولت مرکزی واگذار می‌نماید.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که تشکیل امت واحده‌ی اسلامی در کنار احترام به حاکمیت ملی کشورها دارای ریشه‌های دینی است. به بیان دقیق‌تر پیامبر اکرم (ص) پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و در جریان دعوت سران کشورها و قبایل به اسلام، هیچ‌گاه اصرار به از هم پاشیدگی و ادغام جامعه‌ای در جامعه دیگر و تشکیل جامعه‌ای با زبان و آداب واحد نداشته است، بلکه پیامبر اسلام (ص) خواهان تحقق اسلام و اجرای فرامین و دستورات آن در عرصه‌ی اجتماعی بوده و در صورت حصول نتیجه، ترجیح می‌دادند که امور داخلی آن‌ها متناسب با شرایط فرهنگی و اقلیمی خودشان تنظیم شود.<sup>(۱)</sup> به بیان دیگر اسلام هیچ‌گاه مخالفتی با استقلال ملت‌ها

۱. به عنوان نمونه مشاهده می‌کنیم که در پیمان صلح پیامبر (ص) با نصارای نجران که در سال دهم هجرت و در دوران قدرت اسلام تنظیم شد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم استقلال آنها را پذیرفته و گذشته از پذیرفتن موجودیت آیین مسیحیت، هر گونه آزادی سیاسی اجتماعی را برای آنان معتبر دانسته است و از همه مهمتر این که سرزمین آنها بدون رضایت خودشان مورد اشغال نظامی واقع نشود. در گزیده‌ای از این پیمان آمده است: «مردم نجران و حومه آن نسبت به مال و جان و اراضی و مردم حاضر و غائب و عشیره و مرکز عبادتشان چه بسیار چه کم در پناه خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم خواهند بود. هیچ اسقفی یا راهب و کاهنی از آنان از مقام خود عزل نمی‌شود و به آنان اهانتی نخواهد شد و در برابر خون‌هایی که در جاهلیت ریخته شده است، مجازات نخواهند شد؛ هیچ‌گونه خسارتی از آنان گرفته نمی‌شود و هیچ‌گونه سختگیری درباره آنها روا نیست و هیچ لشکری در سرزمین آنان گام نمی‌نهد.» همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در نامه اش به پادشاهن پامه می‌فرماید: «فاسلم تسلّم و اجعل لک ما تحت یدیک» تسلیم شو تا سالم بمانی و در این صورت من آن چه را که در تصرف داری، در اختیارت خواهم گذاشت. و آن حضرت در نامه دیگر به منذر بن ساوی می‌فرماید: «فاسلم تسلّم، و یجعل لک الله ما تحت یدیک» تسلیم شو تا سالم بمانی، در این صورت خداوند آن چه را در اختیار داری، برایم محترم خواهد داشت. (مکارم شیرازی، ناصر، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، سمت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۰۷ و ۳۰۸)



در داخل قلمروی خویش یا خارج از آن ندارد و مرزهای طبیعی و قراردادی تا آن جا که به رسالت جهانی اسلام و حاکمیت اسلامی لطمه نزنند و دعوت اسلامی را تحت الشعاع خود قرار ندهد، معتبر است.<sup>(۱)</sup>

### گفتار سوم: تزاخم میان منافع امت و ملت

از جمله موضوعاتی که ضروری است در خصوص ارتباط میان تشکیل امت واحده‌ی اسلامی و ارتباط آن با نظام جمهوری اسلامی ایران و جایگاه اصل ۱۱ و سایر اصول قانون اساسی محل بحث و بررسی قرار گیرد، راهکار حل تزاخم میان منافع امت و ملت است. به بیان دقیق‌تر دولت جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه‌های فقه شیعه که پایه‌ها و مبانی نظام اسلامی بر آن استوار گردیده و همچنین مطابق حکم مذکور در اصل ۱۱ قانون اساسی، مکلف است سیاست‌های کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و به منظور دستیابی به وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام کوشش پیگیر به عمل آورد. این در حالی است که امکان تزاخم منافع امت اسلامی با منافع ملت ایران و حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی جمهوری اسلامی که در اصول متعددی مورد تاکید قرار گرفته است، وجود دارد.<sup>(۲)</sup> بر همین اساس این سؤال پیش خواهد آمد که در صورت تزاخم منافع ملی و منافع امت اسلامی کدام منفعت مقدم می‌گردد و چرا؟

بر اساس اندیشه‌ی اسلامی از آن‌جا که اصالت با مفهوم «امت اسلامی» بوده و مفهوم «ملت» و انفکاک مردم کشورها از یکدیگر در قالب ملل گوناگون ناشی از اتفاقات دوره‌ی معاصر و به طور خاص معاهده‌ی وستفالی می‌باشد<sup>(۳)</sup> و همچنین مستند به اصول

۱. مکارم شیرازی، ناصر، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران، سمت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۱۳

۲. لازم به ذکر است در مواردی که منافع ملی و منافع امت اسلام با یکدیگر همسو و در یک جریان قرار دارد، هم از منظر مبانی دینی و هم از منظر حقوقی دولت مکلف به انتخاب همان مسیر می‌باشد.

۳. معاهدات وستفالی عبارت بودند از دو معاهده «مونستر» و «اوزنبروک» که در پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی در منطقه وستفالی آلمان به امضاء رسید. (۱۶۱۸-۱۶۴۸) زمینه ساز این معاهدات جنگ‌های سی ساله مذهبی بود و دستاورد آن علاوه بر آزادی مذهبی که پیش از این هم به تأیید امپراتور امپراتوری مقدس رم- ژرمنی و پادشاه فرانسه رسیده بود عبارت بود از تأیید حق شاهزادگان در امضای آزادانه پیمانهای صلح یا اعلان جنگ. در این پیمان حقوق برابر و یکسان کشورها به عنوان واحدهای سیاسی مستقل برای نخستین بار مطرح و مورد پذیرش قرار گرفت. چنین بود که وستفالی سمبل و نماد

۴ و ۱۱ قانون اساسی، ضوابط و موازین شرعی که یکی از آن‌ها امر به تشکیل «امت اسلامی» است بر عموم و اطلاق قانون اساسی حکومت دارد؛ به هنگام تزاخم یا تعارض منافع امت و ملت به استناد قاعده‌ی دینی تقدیم امور اهم بر مهم که ریشه در ادله‌ی عقلی و نقلی دارد؛<sup>(۱)</sup> منافع امت بر منافع ملی مقدم می‌گردد.<sup>(۲)</sup> به بیان دقیق‌تر موازین شرعی و اصول قانون اساسی در کنار یکدیگر امر به تقدیم منافع امت بر ملت می‌نمایند. در خصوص اصل کلی تقدیم منافع امت بر منافع ملت تذکر چند نکته بسیار مهم و حیاتی به نظر می‌رسد: اولاً شناخت محدودیت‌های حاکم بر روابط ملت و دولت نیازمند اجتهاد در منابع دینی و استخراج معیارهای مشخصی به این منظور است. ثانیاً این اصل کلی دارای استثنائاتی نیز می‌باشد. برای نمونه از آن‌جا که مبتنی بر قاعده‌ی حفظ نظام، استحکام و پایداری حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام در قلمرو سرزمینی مشخص مقدم بر همه‌ی احکام اولیه‌ی فرعی است<sup>(۳)</sup>، در صورتی که حفظ نظام مستلزم اولویت بخشی به منافع ملت ایران باشد، منافع ملی بر منافع امت اسلامی مقدم

عصر جدید و نقطه آغاز دولت‌های ملی و مدرن قلمداد شد. (نقیب‌زاده، احمد، تاریخ دیپلماسی و روابط بین الملل از وستفالی تا امروز، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۷، ص ۸)

۱. شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید: «اسلام راهی باز کرده است به نام باب «تزاخم». ریشه‌اش هم این است که احکام اسلام زمینی است؛ یعنی براساس یک سلسله مصالح است و حدود و درجه آن مصالح را یا خود اسلام بیان کرده که این در چه درجه است، آن در چه درجه، یا اگر بیان نکرده ما به حکم دلیل عقل می‌توانیم بفهمیم که این در چه درجه است، آن در چه درجه. پیغمبر فرمود: اِذَا جُمِعَتِ الْخُرْمَتَانِ طُرِحَتِ الصُّغْرَى لِلْكُبْرَى وقتی که دو امر محترم- به صورت واجب باشد یا به صورت حرام در یک جا جمع شد، کوچک‌تر را به خاطر بزرگ‌تر باید رها کرد. در مواردی که حرمت‌ها با یکدیگر می‌جنگند، تزاخم پیدا می‌کند، یعنی امر دایر است میان دو حکمی که اسلام دارد و ما عملاً باید یکی از آن دو حکم را رها کنیم تا حکم دیگر را حفظ کنیم، اینجا وظیفه مجتهد است که تشخیص صحیح داشته باشد، مهم‌تر را بگیرد و مهم را رها کند. اسمش را «اهم و مهم» می‌گذارند. میان مهم و اهم، اهم را بگیرد و مهم را رها کند.» (مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا، ج ۲۱، ص ۳۳۰)

۲. جوان آراسته، حسین، امت و ملت نگاهی دوباره، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۷۹، ص ۱۶۸.

۳. حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. (موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۴۵۳)

می‌گردد. به بیان دیگر چنانچه تقدیم منافع امت اسلامی و چشم‌پوشی از منافع ملی، موجبات تزلزل در ارکان حاکمیت و اساس نظام جمهوری اسلامی را فراهم آورد، دیگر نمی‌توان منافع امت را بر منافع ملی ارجحیت بخشید.<sup>(۱)</sup> بر این اصل کلی آثار حقوقی متعددی بار می‌شود که برای نمونه دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است در امور قانون‌گذاری و اجرا در زمینه‌ی سیاست خارجی، با توجه به حکم اصل یازدهم، حقوق ویژه‌ای را در روابط با مسلمانان و کشورهای اسلامی همانند امور مربوط به تابعیت، درخواست پناهندگی، حقوق و تکالیف اتباع خارجی، استرداد مجرمین و داد و ستدهای بین‌المللی در نظر داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

اصل ۱۱ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف به تدوین سیاست‌های کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و کوشش پیگیر در جهت وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام می‌نماید. این اصل در مقام تبیین جایگاه امت اسلامی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و وظیفه‌ی دولت در جهت اتحاد ملل اسلامی وضع شده است. مقصود از امت در اصطلاح، گروه به هم پیوسته‌ای است که بر محور یک وجه مشترک گرد هم می‌آیند و قصد واحدی دارند و بر این اساس مقصود از امت اسلامی گروهی از مردم می‌باشد که حول محور اعتقادات اسلامی همانند خالق واحد، ایمان به رسولان الهی، وجود امامان و پیشوایانی برای راهبرد حرکت سیاسی و اجتماعی مسلمانان، اعتقاد به آخرت و ثواب و عقاب اعمال، اعتقاد به معاد و حسابرسی و اعتقاد به منزلت و جایگاه انسان به عنوان خلیفه‌ی خداوند متعال بر روی زمین در کنار یکدیگر گرد آمده‌اند. امت اسلامی از آن‌جا که دارای پیوند عمیق با عنصر عقیده و ایمان است از مفهوم ملت در ادبیات حقوقی معاصر که مبتنی بر ویژگی‌هایی چون فرهنگ، تاریخ، نژاد و قومیت مشترک تعریف می‌شود، متمایز می‌گردد.

تشکیل امت واحده‌ی اسلامی در منابع دینی به ویژه آیات قرآن کریم و روایات، سیره و سنت پیامبر اسلام (ص) دارای مبانی متعددی می‌باشد. آیات قرآن کریم در

۱. جوان آراسته، حسین، امت و ملت نگاهی دوباره، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲

زمینه‌ی الزام به تشکیل امت واحده را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. آیاتی که به صراحت به موضوع امت واحده و آثار آن اشاره می‌نمایند و آیاتی همانند آیات برادری، اتحاد و برابری که هر چند در آن‌ها به تشکیل امت واحده تصریح نشده، اما تحقق آن‌ها در عرصه‌ی عملی منوط به شکل‌گیری امت اسلامی است. سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین نیز دلالت بر لزوم ایجاد امت واحده دارد.

تشکیل امت واحده‌ی اسلامی در آموزه‌های دینی مبتنی بر عناصر سازنده‌ی مرسوم در ادبیات حقوقی معاصر نیست و با ملاحظه‌ی ادبیات دینی می‌توان از عواملی همانند اعتقاد به مبداء واحد، اعتقاد به هدف و سرنوشت واحد، اعتقاد به پیامبر اسلام (ص) به عنوان پیشوای مسلمین و اعتقاد به تاریخ مشترک میان مسلمانان به عنوان مهم‌ترین عوامل پیوند دهنده‌ی امت اسلامی نام برد. بر این اساس عنصر تابعیت نیز بر مبنای اعتقاد به اعضای دولت-کشور اسلامی اعطا می‌گردد و هر کس معتقد به آموزه‌های اسلامی باشد دارای تابعیت دولت اسلامی خواهد بود. علاوه بر این، در آموزه‌های اسلامی مولفه‌های اخوت، تعاون، تعقل و حکمت، تشاور و تفقه به عنوان مولفه‌های سازنده‌ی قدرت اجتماعی و موجبات استحکام درونی امت اسلامی به حساب می‌آید. در مقام بررسی جایگاه امت اسلامی و اصل ۱۱ در نظام جمهوری اسلامی و در کنار سایر اصول قانون اساسی باید بیان نمود که اولاً قانون اساسی با نگاهی واقع‌گرا اقدام به اساسی‌سازی موضوعات مرتبط با مرزهای جغرافیایی کشور ایران و حقوق و وظایف ملت ایران نموده و از سوی دیگر در نگاهی آرمان‌گرایانه حرکت در مسیر تحقق امت واحده‌ی اسلامی را به عنوان هدفی متعالی، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی ایران می‌داند.

ثانیا تشکیل امت واحده‌ی اسلامی چه در قالب مفهوم انتزاعی امت اسلامی و همکاری‌های مشترک سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای اسلامی، چه در قالب فدراسیون کشورهای اسلامی و چه در قالب ایجاد دولت-کشور فدرال اسلامی با حفظ موجودیت جمهوری اسلامی ایران قابل انطباق می‌باشد.

ثالثا در صورت تزاخم منافع ملی و منافع امت اسلامی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است مستند به آموزه‌های دینی و اصل ۴ و ۱۱ قانون اساسی، منافع امت را مقدم دارد. هر چند تعیین حدود این قاعده و محدودیت‌های آن نیازمند اجتهاد در

منابع فقهی بوده و همچنین برای این اصل کلی استثنائاتی همانند قاعده‌ی حفظ نظام اسلامی وجود دارد.

بر این اساس از اصول مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل یازدهم می‌باشد که به موجب آن همه مسلمانان یک امتند و وحدت جامعه اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی، ضروری و واجب بوده و شرط اساسی نجات مسلمانان از چنگال نظام سلطه به شمار می‌رود.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۶۶.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴.
۳. ابن هشام، سیره ابن هشام، ترجمه سید هاشم رسولی محلات، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۶۸.
۴. اراکی، محسن، نظریه الحکم فی الإسلام، قم: مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۵ ه.ق.
۵. ایوانز گراهام، نونام جفری، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه مشیرزاده حمیرا، شریفی حسین، نشر میزان، تابستان ۱۳۸۱.
۶. بابایی زارچ علی محمد، امت و ملت در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۷. جانی، عباسعلی، حقوق اساسی تطبیقی؛ حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۵ جلد، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسرا، بی تا.
۱۲. جوان آراسته، حسین، «امت و ملت نگاهی دوباره»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۷۹.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
۱۴. حسینی الخامنه‌ای، السید محمد، الأبعاد الدولية للحج اطروحة جديدة على ضوء الحقوق و القانون (القسم الاول)، مترجم: خالد الغفوری، فقه أهل البيت، شماره ۲۸، ۱۴۲۳.

۱۵. حسینی بهشتی، سید محمد، مبانی نظری قانون اساسی، تهران: نشر بقعه، ۱۳۹۰.
۱۶. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، القانون، بیروت: مركز الرسول الأعظم (ص) للتحقیق و النشر، ۱۴۱۹ ه.ق.
۱۷. حلّی، حسن بن یوسف، تذکره الفقها، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴.
۱۸. دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۹. دهخدا علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۰. راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲.
۲۱. زحیلی، وهبه مصطفی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق ۱۹۹۸.
۲۲. سبحانی، جعفر، حکومت اسلامی، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهداء، ۱۳۷۰.
۲۳. سبحانی جعفر، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ص)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۲۴. سعدی، ابوجیب، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، دمشق: دار الفکر، بی تا.
۲۵. سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، نشر میزان، چاپ هشتم، پاییز ۱۳۹۰.
۲۶. سیمبر رضا، «ملت های بدون کشور در جامعه جهانی»، مجله سیاست خارجی، سال ۱۳، شماره ۴، ۱۳۷۸.
۲۷. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۸. طباطبایی بروجردی، آقا حسین، نهایة التقرير، ۳ جلد، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۹. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰.
۳۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، ۶ جلد، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۶، ص ۱۲ و ۱۳.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء التراث الجعفریة، ۱۳۷۸.

۳۲. عاملی، محمدبن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
۳۳. علی بابایی غلامرضا و بهمن آقایی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر ویس، تهران، ۱۳۶۶.
۳۴. عمید زنجانی عباس علی، بنیادهای ملیت در جامعه ایده آل انسانی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۱.
۳۵. عمید زنجانی، عباسعلی، «حقوق اساسی تطبیقی؛ حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی»، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
۳۶. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
۳۷. عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ ه.ق.
۳۸. غمامی، سید محمد مهدی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۳۹. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، ۱۳۸۸.
۴۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۴۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ ه.ق.
۴۲. قشقاوی، هادی، آیین دادرسی اسلامی در مورد غیر مسلمانان از دیدگاه فقه امامیه، فقه اهل بیت، شماره ۴۵، (۲۰۵ تا ۲۴۸)، ۱۳۸۵.
۴۳. کعبی، عباس، «تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران»، تهران: پژوهشکده‌ی شورای نگهبان، ۱۳۹۴.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۴۵. کلانتری علی اکبر، «دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو»، مجله فقه، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۷۵.
۴۶. مارتین گریفیتس، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
۴۷. مجلسی، محمد باقر، مرآه العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴.



۴۸. مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۴۹. مصباح یزدی، محمد تقی، «اختیارات ولی فقیه خارج از سرزمینها»، نشریه حکومت اسلامی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۱.
۵۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران: مرکز الكتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ ه.ق.
۵۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، بی تا.
۵۲. مکارم شیرازی ناصر، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
۵۳. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۴. منتظری نجف آبادی، حسین علی، حکومت دینی و حقوق انسان، قم: ارغوان دانش، ۱۴۲۹ ق.
۵۵. منتظری نجف آبادی، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ه.ق.
۵۶. موسوی خمینی سید روح الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.
۵۷. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۵۸. ناصحی، علی، «تابعیت و اصول و قواعد حاکم بر آن»، بیک نور، شماره ۳، ۱۳۸۳.
۵۹. نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، نشر آگه، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۰.
۶۰. نعمانی، شبلی، تاریخ علم کلام، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۶.
۶۱. نقیبزاده، احمد، تاریخ دیپلماسی و روابط بین الملل از وستفالی تا امروز، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۷.
۶۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸.
۶۳. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

۶۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ه.ق.
۶۵. همایون مصباح، سید حسین، «کارنامه ی سازمان کنفرانس اسلامی در باب انسجام اسلامی»، پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۶۷ و ۶۸، (از ۲۳۵ تا ۲۶۰)، ۱۳۸۶.
۶۶. یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۶۷. یزدی، محمد، دارالاسلام و دارالحر، قم: نشر اعتماد، ۱۴۳۰.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ايفا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،  
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲  
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵  
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵  
info@shora-rc.ir  
www.shora-rc.ir